

الگوی سخنرانی کارگزاران سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۱

فاطمه محمدی*

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۴/۱۳ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۷/۲۰

کارگزاران سیاست خارجی کسانی هستند که از قدرت و توانایی تصمیم‌گیری، از نظر قانونی یا کاریزماتیک برخوردارند. همچنین ادبیات و سخنرانی مقامات رسمی دولت‌ها جزو مواضع رسمی سیاست خارجی و تبیین‌کننده سیاست‌های رسمی آنها محسوب می‌شود. از این رو نوشتار حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا به بررسی متون سخنرانی آنها در جهت شناسایی الگوی حاکم و مستتر بپردازد. به عبارت دیگر، با شناسایی و شمارش شاخصه‌های مقوله تحت بررسی در متن هر سخنرانی می‌توان الگوی آن را شناسایی کرد. مفروض این پژوهش با هدف کشف و توصیف شواهدی بر سخنرانی‌های مقامات و کارگزاران سیاست خارجی آمریکا، بر این امر دلالت می‌کند که الگوی سیاست خارجی آمریکا در راستای تأمین منافع و امنیت ملی آن کشور طراحی و اجرا می‌شود. لذا، از حقوق بشر در راستای مهار کشورهای مخالف و ابزاری در جهت تأمین هر چه بهتر اهداف خود بهره می‌گیرد. این پژوهش در پی آن است که با توجه به تأکیدات روزافزون بر مقوله حقوق بشر و انتقادهایی که در این حوزه به دیگر کشورها به خصوص از سوی آمریکا می‌شود، روشن سازد که مقوله حقوق بشر ابزاری از سوی مقامات آمریکایی برای تأمین امنیت و منافع ملی در سیاست خارجی آن کشور مورد تأکید و کاربرد قرار می‌گیرد. از این رو است که بعد از ۱۱ سپتامبر مباحث امنیت، تروریسم و جنگ نقش پررنگ‌تری را در سیاست خارجی ایالات متحده ایفا می‌کند که همین مسئله سیاست حقوق بشری آن را درگیر می‌سازد. به عبارتی در بستر سیاست خارجی امنیت‌گرا، سیاست حقوق بشری آن شکل می‌گیرد و معادله به نفع امنیت به ثمر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا؛ الگوی سخنرانی؛ سیاست خارجی؛ حقوق بشر؛ جرج بوش؛ کالین پاول؛ کاندولیزا رایس

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی؛

مقدمه

بروز حوادث در عرصه سیاست جهانی، گاهی از یک سو دلیل موجهی برای تضعیف و سقوط دولت‌هاست و بعضاً از سوی دیگر زمینه فرصت‌سازی از تهدیدات را برای دولت‌ها فراهم می‌سازند تا از آن وقایع در راستای منافع خود بهره‌جویند. واقعه یازده سپتامبر را می‌توان از جمله این حوادث برشمرد که در دسته دوم می‌گنجد. هرچند به دنبال واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده، این اقدام تقریباً از سوی جهان محکوم شد. خصوصاً سازمان‌های حقوق بشری، به کارگیری هواپیماهای غیرنظامی جهت تخریب مرکز تجارت جهانی را جنایت علیه بشریت محسوب کردند (Robinson, 2001). در واقع سازمان‌های حقوق بشری به دلیل محکوم بودن خشونت علیه غیرنظامیان نسبت به اقدامات تروریستی یازده سپتامبر واکنش نشان دادند. با این حال، وقایع یازده سپتامبر سبب شد که پارادایم سیاست خارجی آمریکا به یکباره تغییر کند و حمایت از ملت در برابر تهدیدات و حملات تروریستی بر اهداف حقوق بشری غالب شود. در واقع بعد از حملات تروریستی یازده سپتامبر تغییر جدی در ادبیات سیاست خارجی آمریکا نمایان شد و مفاهیمی که در سال‌های گذشته کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت از جمله جنگ عادلانه و پیشگیرانه مطرح شد.

پرداختن به حقوق بشر در سیاست خارجی در حوزه آمریکا یادآور شعارهای انتخاباتی جیمی کارتر نامزد ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در سال‌های پایانی دهه ۷۰ میلادی است. در واقع برای بیش از سه دهه است که حکومت ایالات متحده، حقوق بشر را به‌عنوان یک بخش مهمی از سیاست خارجی خود طراحی کرده است. خصوصاً دو رئیس‌جمهور - جیمی کارتر دمکرات و جرج دبلیو بوش جمهوری خواه - ترویج حقوق را به‌عنوان محور اهداف سیاست خارجی خود مبدل ساختند، هرچند - هر دو به عدم وفاداری به وعده‌های خود متهم شده‌اند. کارتر در سخنرانی ۱۹۷۷ در دانشگاه نتردام به تعهد و عمل کردن به حقوق بشر به‌عنوان یک «اصل اساسی»^۱ در سیاست خارجی ایالات متحده اشاره کرد. با این حال، مسائل و دغدغه‌های زمان جنگ سرد، ایالات متحده را با دیکتاتورها و رژیم‌های نظامی در فیلیپین، زئیر (جمهوری دمکراتیک کنگو فعلی)، پاکستان و سایر کشورهای این چنینی در یک ردیف قرار داد. همچنین به دنبال یکسری رسوایی‌ها - از جمله واترگیت - در تحقیقات کنگره، حمایت

ایالات متحده از رژیم‌های سرسخت در جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین آشکار شد. بوش نیز در دومین سخنرانی افتتاحی خود با عنوان «دستور کار آزادی» به هدف سیاست آمریکا مبنی بر «پایان دیکتاتوری در جهان ما»^۱ اشاره کرد (McMahon, 2002) در واقع بوش در سخنرانی یکم ژوئن ۲۰۰۲ که در وست پوینت ارائه داد، برای نخستین بار بنیاد نوین استراتژی آمریکا را برای جهان بعد از یازده سپتامبر مطرح کرد (Bush, 2002). متعاقباً این چارچوب مفهومی کلان در متن رسمی «استراتژی امنیت ملی آمریکا» که سه ماه بعد منتشر شد، بیشتر معرفی گردید (The National Security of the United States of America). در هر دو متن مذکور بر این تأکید شده و تصریحات زیادی وجود دارد که آمریکا خواهان تمکین همه بازیگران بین‌المللی از ارزش‌های جهان‌شمول و فراگیری چون آزادی، حقوق بشر و ... است. اواما نیز بر تعهد بهبود و بهتر شدن نتایج حقوق بشری ایالات متحده تأکید کرده است در حالی که همچنان با کشورهای نظیر چین و سایر هم‌پیمانان خود که دارای مسائل حقوق بشری هستند، به دلیل منافع استراتژیک در تعامل است. در واقع یکی از چالش‌ها و مشکلات حقوق بشر در دوره اواما نیز برخورد گزینشی و استفاده ابزاری از حقوق بشر در سیاست خارجی است به عنوان مثال نگاه و برخورد آمریکا در مورد قضایای بحرین، مصر، تونس و سایر کشورها نشان‌دهنده عدم انسجام، یک دستی و وجود فرازونشیب و شدت و ضعف است که این خود استفاده ابزاری حقوق بشر را توجیه می‌کند. از آنجا که تغییر لزوماً در بافت مادی قدرت شکل نمی‌گیرد و در ابعاد غیرمادی از جمله گفتگمانی نیز قابل ظهور است، به نظر می‌رسد که بررسی تغییر در سیاست خارجی دولت اواما در موضوع حقوق بشر شایسته بررسی است.

به عبارت دیگر، با توجه به پیوند تاریخی سیاست خارجی و حقوق بشر در ایالات متحده رئیس‌جمهور بوش روش بحث‌برانگیزی را برای حمایت از حقوق بشر انتخاب کرد. به گونه‌ای که در زمان حمله ایالات متحده به عراق انتقاد شد که این کشور در حال بسط فرمانروایی خود به نام آزادی است. در واقع از منظر دکترین بوش و اعضای کابینه او، جهانی که در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ متولد شد بسیار متفاوت از پیش است که در آن تنها با اتکا به تحریم‌ها و قدرت نرم نمی‌توان با تهدیدات جدید مقابله کرد لذا در حال حاضر حمایت از صلح نیازمند جنگ پیش‌دستانه است. این اقدامات سبب شد بسیاری از دولت‌ها از عملکرد ایالات متحده در

ابوغریب عراق و زندانیان گوانتانامو انتقاد کنند. شایان ذکر است که این حادثه سبب بروز چالش‌های حقوق بشری نیز شد و آن اینکه درعین حال که این گونه حملات باید محکوم شود، جهت مقابله با آن دست به چه اقداماتی باید زد؟ و دیگر آنکه وقتی مقامات آمریکایی در برابر این حمله اعلام می‌کنند که در جهت مقابله با القاعده و هر گونه گروه تروریستی اقدام خواهند کرد و دست به حملات پیش‌دستانه می‌زنند این تناقض میان سیاست اعلامی و اعمالی در حوزه حقوق بشر چگونه قابل حل خواهد بود؟

نگاه پژوهش حاضر بر رابطه متقابل سیاست خارجی و حقوق بشر استوار است و درصدد است سیاست‌هایی که بعد از یازده سپتامبر از سوی آمریکا در زمینه حقوق بشر به کار بسته شده است را بررسی کند. همچنین براساس تحلیل محتوا و داده‌های آماری که ارائه خواهد داد این را ثابت خواهد کرد که حقوق بشر در این دوره تحت‌الشعاع تأمین امنیت آمریکا قرار گرفته است. هرچند شاید در شرایط حاضر بیان این مطلب که در این دوره شاهد حقوق بشر امنیتی بوده‌ایم اندکی سخت به نظر رسد اما این پرواضح است که اقدامات آمریکا در این دوره چالش‌های مفهومی بسیاری را به ساختار حقوق بشر بین‌المللی وارد ساخته است و بسیاری از کتب و مقالات در خصوص قانونی یا لازم بودن آن به طرح مطلب پرداخته‌اند. شایان ذکر است مفهوم محوری در موضوع امنیتی شدن، ساخت استدلالاتی از موضوعات خاص است که به‌عنوان تهدیداتی امنیتی مرتبط می‌شود، که چارچوب مفهومی آن با تأثیرگذاری شرایط زمانی و مکانی می‌تواند طیف وسیعی از موضوعات از قبیل مهاجرت، بهداشت، اختلاف سیاسی، حقوق اقلیت‌ها و به‌ویژه پس از یازدهم سپتامبر در جنگ علیه تروریسم هدایت شود. بنابراین در گفتمان امنیتی شدن یک موضوع برجسته‌سازی شده و از ویژگی برجسته‌ای برخوردار می‌شود که از این طریق بازیگر می‌تواند با این برجسب، ضرورت حق استفاده از شیوه‌های فوق‌العاده را به‌دست آورد (سمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۹۹-۹۷؛ بوزان، ویور و دووینلد، ۱۳۸۶: ۵۳).

درواقع این پژوهش در پی آن است که با توجه به تأکیدات روزافزونی که بر مقوله حقوق بشر و انتقادهایی که در این حوزه به سایر کشورها علی‌الخصوص از سوی آمریکا می‌گردد روشن سازد که مقوله حقوق بشر به‌گونه‌ای ابزاری از سوی مقامات آمریکایی در جهت تأمین امنیت و منافع ملی در سیاست خارجی آن مورد تأکید و کاربست قرار می‌گیرد.

از این روست که بعد از یازده سپتامبر مباحث امنیت، تروریسم و جنگ نقش پررنگ تری را در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا ایفا می‌کند که همین مسئله سیاست حقوق بشری آن را درگیر می‌سازد. به عبارتی دیگر در بستر سیاست خارجی امنیت‌گرا، سیاست حقوق بشری آن شکل می‌گیرد و معادله به نفع امنیت به ثمر می‌رسد. با این حال، فهم و تبیین سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال حقوق بشر نیازمند شناخت آن از منظر تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی آمریکایی که بخش ناچیزی از نخبگان حاکم محسوب می‌شوند که این در سخنرانی‌ها و اظهارات آنان تجلی می‌یابد. به عبارت دیگر سیاست‌های اعلامی کشورها منعکس‌کننده اولویت‌بندی سیاست خارجی آنها از جمله در مقوله حقوق بشر است.

۱. پیشینه پژوهش

در دو دهه گذشته ادبیات مربوط به حقوق بشر گسترش پیدا کرده است. انواع و اقسام متن‌ها و اسناد بین‌المللی ترجمه شده است. گزارش‌های حقوق بشر از گستردگی بسیار برخوردار شده و مراکز مستقل حقوق بشری در دانشگاه‌ها به راه افتاده است، که از جمله آنها می‌توان به مقالات و کتاب‌هایی نظیر «تجدید وودرو ویلسون: گفتمان حقوق بشر در سیاست خارجی جرج بوش» (Hancock, 2010)، «بهای شرمندگی: سازمان‌های بین‌المللی و کمک خارجی در مجازات ناقضان حقوق بشر» (Lebovic and Voeten, 2009)، «اندیشیدن مجدد درباره حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت در عصر جهانی شدن» (Cohen, 2008) «استدلال، روندهای سازمانی و تحریم‌های حقوق بشری در سیاست خارجی دموکراتیک» (William and Walldrof, 2010)، «حقوق بشر و سیاست خارجی آمریکا» (Hancock, 2007)، «نقش حقوق بشر در سیاست خارجی» (Baehr and Castermans Holleman, 2004)، «سیاست خارجی امروز ایالات متحده آمریکا: احیای آمریکایی؟» (Hook and Scott, 2012) اشاره کرد. اما تمرکز همه این پژوهش‌ها عمدتاً بر مسئله حمایت و ترویج حقوق بشر قرار دارد و چه بسا به پیوند حقوق بشر با مسائل کلان و عمومی‌تر مانند مسائل سیاست خارجی و امنیت ملی بی‌توجهند. هر چند برخی آثار به این حوزه نیز اندکی پرداخته‌اند با این حال از کاستی‌هایی برخوردارند که شایسته توجه هر چه بیشتر است. به طور کلی رابطه حقوق بشر و سیاست خارجی چندان مدنظر و توجه نبوده و خلئی در این زمینه وجود دارد که هم از نظر پژوهشی و هم

پیشبرد کار حقوق بشر توجه به آن لازم است. با عنایت به آنچه گفته شد، پرسش اصلی این پژوهش به این قرار است؛ الگوی حاکم بر موضع‌گیری‌های کارگزاران سیاسی آمریکا در قبال مقوله حقوق بشر در سیاست خارجی چگونه است؟ مفروض اصلی این نوشتار بر این امر دلالت می‌کند که به‌رغم سیاست‌های اعلامی قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده آمریکا مبنی بر عملکرد سیاست خارجی آنها در چارچوب حقوق بشر در عمل شاهدیم که از این حوزه نیز در راستای اهداف خود بهره می‌جویند که این در بعد از یازده سپتامبر بیشتر در حوزه تأمین امنیت بازتاب می‌یابد. از این رو، سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و اکاوی سخنان و ادبیات به کار گرفته شده از سوی کارگزاران آمریکایی دست‌اندر کار در حوزه سیاست خارجی، دیدگاه‌ها و نظرات آنها در خصوص میزان اهمیت و جایگاه حقوق بشر در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا مورد آزمون و ارزیابی قرار گیرد. از نظر کرلینگر تحلیل محتوا، روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباطات به‌شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمی با هدف اندازه‌گیری متغیرهاست (راجردی و دومینیک، ۱۳۸۴: ۲۱۷). باردن می‌گوید: تحلیل محتوا عبارت است از مجموعه فنون تحلیل ارتباط که برای توصیف محتوای پیام و روش‌های منظم عینی به کار می‌رود (باردن، ۱۳۷۵: ۳۸). برلسون^۱ تحلیل محتوا را به‌عنوان روش تحقیقی برای توصیف عینی، نظام‌اتیک و کمی محتوای آشکار ارتباطات تعریف کرده است (گوتتر، ۱۳۸۴: ۹۳). آسابرگر تحلیل محتوا را روشی پژوهشی معرفی می‌کند که براساس اندازه‌گیری مقدار چیزی در یک نمونه تصادفی از یکی از اشکال ارتباطی طراحی شده است (آسابرگر، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

در این راستا به‌طور تصادفی دیدگاه‌ها و مواضع رؤسای جمهور بوش و متصدیان وزارت خارجه او در قبال مقوله حقوق بشر در سیاست خارجی آمریکا انتخاب و سپس براساس شاخص‌هایی نظیر نقض حقوق بشر (آغشته بودن دستان به خون ملت‌ها، دست داشتن در ظلم و جنگ، کشتن انسان‌ها، انجام جنایت، توطئه، حکومت مستبد، ضد‌مردمی، حمایت از تخریب، جنایتکار جنگی، کشتن ملت‌های مظلوم، زندان، تبعیض، حمایت از تروریست‌ها، زندان مخفی، شکنجه، شعار حقوق بشر و ...)؛ امنیتی بودن حقوق بشر (ایجاد کارخانه‌های تسلیحات، متهم کردن به نقض حقوق بشر، حمایت از رژیم‌های فاسد، مدعی حقوق بشر، تحمیل دیدگاه حقوق بشری، ملاحظات حقوق بشری و ...)؛ سلطه‌طلبی ایالات متحده

(راه‌اندازی جنگ، حاکم کردن جنایتکاران، غارت کردن کشورها، استفاده از تسلیحات و ...)؛ حقوق بشر (عدالت، کمک نوع‌دوستانه، انسانیت، بشریت، ملت مستقل، حکومت پاسخ‌گو، انتخابات، رأی، حقوق، کرامت انسانی و ...)؛ صلح (صلح، ثبات و ...)؛ دموکراسی (دموکراسی و ...)؛ آزادی (آزادسازی، احترام، مردم آزاده، آزاداندیشی، جهان آزاد و ...)؛ رهبری (سربلندی، پیروزی، حمایت از ملت‌ها، نوید آزادی، تقویت ارزش‌های آمریکایی، کوتاه نیامدن، ایجاد جامعه آزاد، منافع دنیای پیشرفته و ...)؛ تهدید (رژیم‌های غیرقانونی، اندوه، ناامیدی، خطر، سلاح‌های کشتار جمعی، کشتن، ترس، دشمن، خشم، شورش، دولت مستبد و ...)؛ تروریست (سرنگونی، مرگ، خرابی، القاعده، طالبان، سرنگونی، مرگ، خرابی، ستمگر، قاتل، قتل، سرکوب، ترور، افراط، دیکتاتوری، رادیکالیسم، انتحار، خشونت و ...)؛ امنیت (حمایت از آمریکا، کوتاه نیامدن، افزایش امنیت، دفاع از سرزمین، امنیت ملی و ...)؛ جنگ (سرباز، یونیفرم، جبهه، ارتش، گلوله، حمله، مسلح، میدان جنگ، مبارزه، نظامی، مجازات و ...)؛ تلاش می‌شود با بهره‌گیری از آمار، ارقام و نمودارها تشابه طرح شده در فرضیه نشان داده شود و به این ترتیب فرضیه تحقیق راستی‌آزمایی شود. بنابراین در نوشتار پیش‌رو در قالب دو گفتار تحت عنوان ریاست جمهور ایالات متحده و وزیرای خارجه تلاش شد که اندیشه‌ها و افکار نئومحافظه‌کاران و دیدگاه آنها در خصوص حقوق بشر و میزان اهمیت آن در اولویت‌های سیاست خارجی سنجیده شود.

۲. الگوی سخنرانی جرج واکر بوش

۲-۱. سخنرانی بوش در واشنگتن دی. سی. (۲ فوریه ۲۰۰۵)

«... سیستم مهاجرت آمریکا منسوخ و قدیمی شده است و برای نیازهای اقتصادی و ارزش‌های کشورمان مناسب نیست ... در سه سال‌ونیم گذشته، از یازده سپتامبر ما اقدامات بی‌سابقه و بی‌نظیری را برای حمایت از آمریکایی‌ها به انجام رسانیده‌ایم. ما یک دفتر جدید در حکومت برای دفاع از سرزمینمان با تمرکز بر FBI در مورد جلوگیری از تروریسم، اصلاح سرویس‌های اطلاعاتی انحلال شبکه‌های ترور در داخل کشور، گسترش تحقیقات در مورد دفاع علیه حمله بیولوژیکی و شیمیایی، بهبود امنیت مرزها را انجام داده‌ایم. پلیس و آتش‌نشان‌ها، نیروی هوایی محققان و بسیاری دیگر هر روز در تلاشند تا سرزمین ما را امن‌تر کنند و ما از آنها تشکر

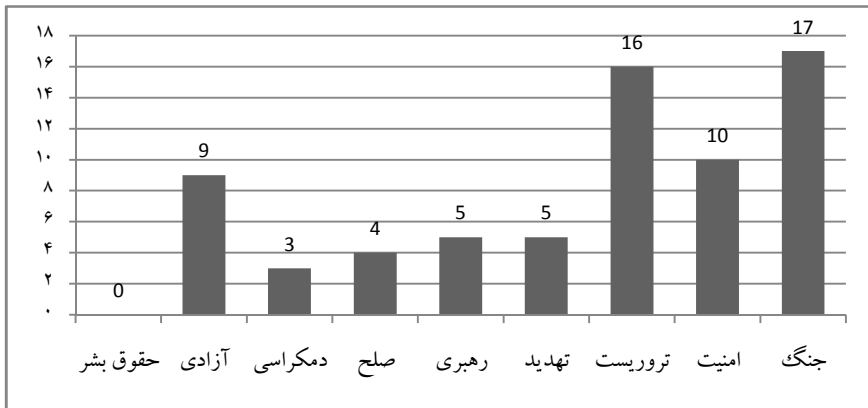
می‌نماییم ... کشور ما در حال حاضر در هدف تروریست‌ها قرار دارد، کسانی که می‌خواهند بسیاری از ما را بکشند و ما را بترسانند و ما در حالت جنگ با آنها باقی خواهیم ماند تا اینکه پیروز شویم. تحت تعقیب قرار دادن دشمنانمان یکی از الزامات اساسی جنگ علیه ترور است و من از کنگره برای آماده‌سازی مردان و زنان ارتشی به همراه تجهیزاتی که نیاز دارند تشکر می‌کنم. در طول این جنگ ما باید حمایت خود را از ارتش ادامه دهیم و ادواتی که نیاز دارند را برای پیروزی می‌دهیم ... سایر ملت‌ها در سرتاسر جهان از ما حمایت می‌کنند. در افغانستان، یک نیروی بین‌المللی در حال تأمین امنیت است. در عراق، ۲۸ کشور نیروی خود را وارد کرده‌اند، سازمان ملل و اتحادیه اروپا کمک‌های تکنیکی برای انتخابات، و ناتو در حال هدایت یک مأموریت برای کمک به آموزش افسران عراقی است. ما در حال همکاری با شصت دولت در خصوص اشاعه ابتکارات امنیتی در جهت کشف و متوقف‌سازی راه‌های عبور مواد خطرناک می‌باشیم ... در بلندمدت صلحی که ما در پی آن هستیم تنها از طریق حذف شرایطی که سبب رشد رادیکالیسم و انتحارهای ایدئولوژیکی است محقق می‌شود. اگر همه مناطق جهان در ناامیدی و تنفر باقی بماند، زمینه‌های رشد ترور فراهم می‌شود که این ترور آمریکا و سایر ملل آزاد جهان را برای دهه‌ها در خطر قرار خواهد داد. تنها نیرویی که می‌تواند جلو دیکتاتورها و ترور را بگیرد و امید را جایگزین تنفر کند، نیروی آزادی بشری است. دشمنان ما این را می‌دانند و به همین دلیل است که الزرقاوی تروریست اخیراً جنگ علیه «اصول زیان‌آور» دمکراسی را اعلام کرده است. ما مواضعمان را اعلام کرده‌ایم: آمریکا در کنار متحدان آزادی به خاطر حمایت از جنبش‌های دمکراتیک خاورمیانه و پیرامون آن با هدف به پایان رساندن دیکتاتوری در سرتاسر جهان، خواهد ایستاد. ایالت متحده، این حق را ندارد، نمی‌خواهد و قصد تحمیل شکل حکومت خود را به هیچ کس دیگر ندارد. این یک تفاوت اساسی بین ما و دشمنان ماست ... هدف ما ایجاد و حفظ یک جامعه آزاد و ملت مستقل با حکومت پاسخ‌گو در برابر شهروندانش است که فرهنگ‌های خاص خود را دارند به دلیل اینکه دمکراسی‌ها به شهروندان و همسایگان خود احترام می‌گذارند، از طریق ارتقای آزادی صلح محقق می‌گردد ... برای ترقی صلح و ثبات در مرزهای خاورمیانه، ایالات متحده با دوستانش در منطقه برای مبارزه با تهدید مشترک ترور همکاری می‌کند در عین حال ما استاندارد عالی آزادی را تقویت می‌نماییم ... تعهد عمومی ما بر تقویت آزادی به‌خصوص در

خاورمیانه در حال حاضر در عراق در حال محک و افتخار است ... این کشور یکی از جبهه‌های ضروری در جنگ علیه ترور است که روشن می‌کند چرا تروریست‌ها این جامعه را برای ماندن انتخاب کرده‌اند. مردان و زنان ما در یونینفرم در حال جنگ با تروریست‌ها در عراق هستند ... تروریست‌ها و شورشی‌ها به شکل خشونت‌آمیزی با دموکراسی مخالفت می‌کنند و حملات خود را به آن ادامه خواهند داد ... ما در عراق موفق خواهیم شد زیرا عراقی‌ها برای جنگ برای آزادی و نوشتن تاریخ خود مصمم هستند ... ما همه بخشی از یک ریسک بزرگ هستیم: برای بسط نوید آزادی در کشورمان، برای تجدید ارزش‌هایی که آزادی ما را تقویت می‌کنند و برای گسترش صلح که آزادی را به ثمر می‌رساند ...» (Bush, 2005).

جدول ۱. سخنرانی بوش در واشنگتن دی. سی. (۲ فوریه ۲۰۰۵)

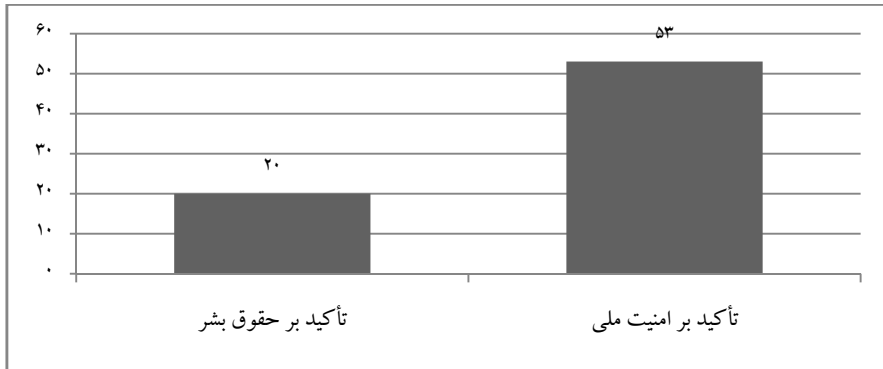
تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۵	رهبری	۴	حقوق بشر
۵	تهدید	۹	آزادی
۱۶	تروریست	۳	دموکراسی
۱۰	امنیت	۴	صلح
۱۷	جنگ	۲۰	جمع شاخص‌ها
۵۳	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۱. سخنرانی بوش در واشنگتن دی. سی. (۲ فوریه ۲۰۰۵)



نمودار ۲. سخنرانی بوش در واشنگتن دی. سی. (۲ فوریه ۲۰۰۵)

مقایسه شاخص‌ها



۲-۲. سخنرانی بوش در سازمان ملل (۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴)

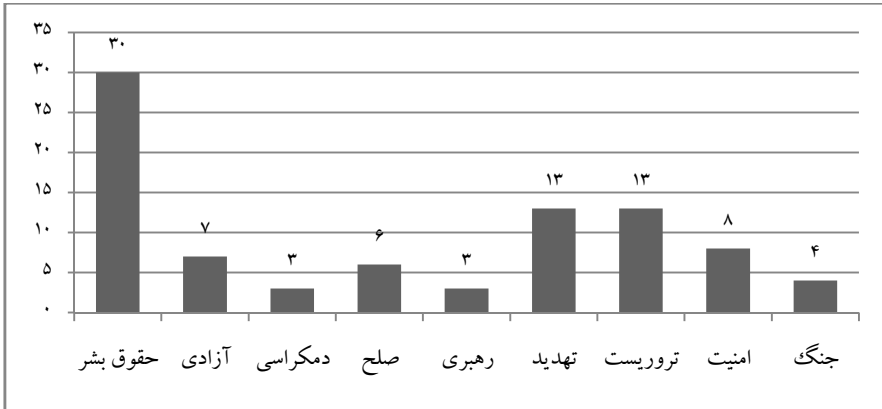
«... مردم آمریکا به ایدئالیسم که به این سازمان موجودیت بخشیده است احترام می‌گذارند و ما از مردان و زنان سازمان ملل که برای صلح و حقوق بشر در هر نقطه از جهان تلاش می‌کنند احترام قائلیم ... برای دهه‌ها چرخه آزادی و امنیت و توسعه در جهان ما رشد یافته است این روند سبب اتحاد اروپا، حکومت مستقل آمریکای لاتین و آسیا و امید نوینی برای آفریقا شده است. در حال حاضر ما از یک فرصت تاریخی برای گستراندن این چرخه حتی فراتر از اینها، برای جنگ با رادیکالیسم و ترور از طریق هدایت برای رسیدن به یک صلح واقعی که بر مبنای آزادی انسانی شکل گرفته است، برخورداریم. سازمان ملل و کشور من عمیق‌ترین سهم تعهدات را دارد. هم اعلامیه استقلال آمریکا و هم اعلامیه جهانی حقوق بشر ارزش‌های برابری و کرامت زندگی هر انسان را اعلام کرده‌اند. کرامتی که بر مبنای احترام به نقش قانون، محدودیت‌های قدرت دولت‌ها، احترام به زنان، حفاظت از دارایی شخصی، سخنرانی آزاد، عدالت یکسان و بردباری مذهبی قرار دارد. کرامتی که با ظلم، فساد، بیداد، تعصب، تروریسم و هر گونه خشونت علیه انسان‌های بیگناه مخالف است ... ما می‌دانیم که دیکتاتورهای خیلی سریع گزینه تجاوز را انتخاب می‌کنند در حالی که دولت‌های آزاد می‌کوشند که اختلافاتشان را به صورت صلح‌آمیز حل کنند. ما می‌دانیم که دولت‌های ستم‌پیشه از ترور حمایت می‌کنند در حالی که حکومت‌های آزاد در بین تروریست‌ها با آنها می‌جنگند. ما می‌دانیم که مردمان آزاد از زندگی و پیشرفت به جای انجام عملیات‌های انتحاری ایدئولوژیک استقبال می‌کنند.

هر دولتی که صلح بخواهد، امتیازات جهان آزاد را به اشتراک خواهد گذاشت و هر دولتی که در جست‌وجوی صلح است برای کمک به ساختن آن جهان یک تعهد دارد. سرانجام هیچ جای امنی برای شبکه‌های ترور و دولت‌های شکست خورده که آنها و یا رژیم‌های غیرقانونی یا سلاح‌های کشتار جمعی را پناه دهد، وجود ندارد ... در قرنی که تازه وارد آن شده‌ایم جهان نیازمند تعریف جدید از امنیت است. امنیت ما کاملاً بر پایه محیط قدرت‌های برابر قرار ندارد، امنیت جهان ما بر پایه ارتقای حقوق بشر بنا شده است. این حقوق در سرتاسر جهان در حال پیشرفت است و دشمنان حقوق بشر با خشونت در حال پاسخ‌گویی هستند. تروریست‌ها و متحدان آنها بر این عقیده‌اند که اعلامیه جهانی حقوق بشر و لایحه آمریکایی حقوق و هر منشور آزادی که تا به حال نوشته شده است کذب می‌باشد ... آنها معتقدند که دیکتاتورها باید بر ذهن و زبان در خاورمیانه و اطراف آن کنترل داشته باشند ... ما تصمیم گرفته‌ایم که حمایت دولتی از ترور را به پایان برسانیم و دولت من مفتخر است که در آزادسازی افغانستان مشارکت داشته است ... زمانی که ما از نتایج خطیر برای صلح سخن می‌گوییم حتماً باید نتایج مهمی دربرداشته باشد ... اگرچه دفاع کردن از آرمان‌هایمان ضروری است اما این کافی نمی‌باشد ... هدف بزرگ ما افزایش امید و حرکت به‌عنوان یک جایگزین برای تنفر و خشونت است. مقصود بزرگ ما ساختن جهانی فراتر از جنگ علیه ترور است. به دلیل اینکه ما به کرامت انسانی باور داریم ... مؤسسات دمکراتیک در جوامع مدرن و جوامع سنتی ریشه دوانده‌اند. زمانی که میل به آزادی و عدالت شکل گیرد، برخورد تمدن‌ها وجود نخواهد داشت. امروز، مردم عراق و افغانستان در مسیر دمکراسی و آزادی قرار دارند. دولت‌ها که در حال ظهور هستند تهدیدی برای سایرین نخواهند بود. به جای پناه دادن به تروریست‌ها، با گروه‌های تروریست می‌جنگند و این روند برای امنیت بلندمدت ما هم خوب است ... اگر کسی این سؤال را مطرح کند که آیا جوامع مسلمان می‌توانند جوامع دمکراتیکی شوند مردم افغانستان می‌توانند پاسخ آن را بدهند ... در عراق امروز گروه‌های تروریست القاعده یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی است که مردم بی‌گناه را می‌کشند ... و امروز من به هر دوست افغانستان و عراق و هر دشمن آزادی، اطمینان خاطر می‌دهم که ما در کنار مردم افغانستان و عراق تا زمانی که امید به آزادی و امنیت آنها به‌ثمر برسد می‌مانیم. این دو کشور یک مدل برای خاورمیانه است، منطقه‌ای که میلیون‌ها نفر از حقوق بشر اساسی و عدالت اولیه محروم هستند ...» (Bush, 2004a).

جدول ۲. سخنرانی بوش در سازمان ملل (۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴)

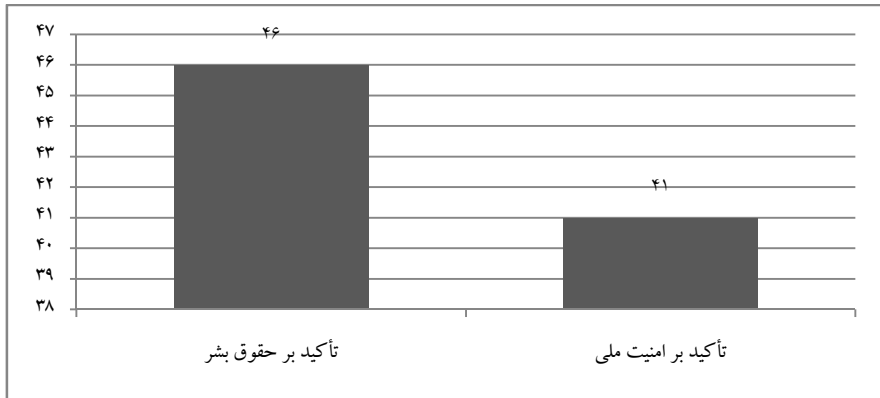
تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۳	رهبری	۳۰	حقوق بشر
۱۳	تهدید	۷	آزادی
۱۳	تروریست	۳	دمکراسی
۸	امنیت	۶	صلح
۴	جنگ	۴۶	جمع شاخص‌ها
۴۱	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۳. سخنرانی بوش در سازمان ملل (۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴)



نمودار ۴. سخنرانی بوش در سازمان ملل (۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴)

مقایسه شاخص‌ها



۲-۳. سخنرانی بوش در مبارزات انتخاباتی (۱۴ ژوئیه ۲۰۰۴)

«... ما جنگ و اندوه را دیدیم که چگونه در یک صبح آرام سپتامبر وارد شد. ما دشمن تروریست را در هر کجای جهان تعقیب می‌کنیم. ما بسیاری از رهبران کلیدی شبکه القاعده را دستگیر و یا به قتل رسانده‌ایم. ما جست‌وجوی خود را برای انجام عدالت ادامه خواهیم داد و آمریکا این‌گونه امن‌تر است. ما با خطرات دولت‌های حامی ترور و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی مواجه شده‌ایم. ما علیه دو رژیم بسیار خشن و خطرناک کره زمین اقدام کرده‌ایم. ما بیش از پنجاه میلیون نفر را آزاد کرده‌ایم و یک بار دیگر، آمریکا به رهبری گروه‌های آزادسازی افتخار می‌کند. این امر برای امنیت و کامیابی آمریکا ضروری است ... من به این نتیجه رسیده‌ام که باید با این مشکلات مقابله کنم و آنها را برای رئیس‌جمهور بعدی و نسل‌های بعدی باقی نگذارم ... من تصویر روشن و یک استراتژی برای پیروزی در جنگ علیه ترور و گسترش صلح و آزادی در سرتاسر جهان دارم ... ما به برنامه انرژی نیاز داریم ... برای امنیت انرژی برای امنیت ملی ما باید کمتر به منابع انرژی خارجی وابسته باشیم ... آینده ما به نوع آرزوهای ما برای هدایت این جهان بستگی دارد. میزان حرکت آزادی در زمان ما بسیار قوی است ما در حال حاضر با تهدیدات جدی روبه‌رو هستیم. القاعده آسیب دیده اما شکسته نشده است. تروریست‌ها حملاتشان را در افغانستان و عراق ادامه می‌دهند ... اگر آمریکا در این دهه از خود ضعف و تردید نشان دهد، جهان دستخوش تراژدی خواهد شد. بعد از حملات یازده سپتامبر، من تصمیم گرفتم و این ملت تصمیم گرفت که تروریست‌ها را به پای عدالت بیاورد فارغ از اینکه در کجا اقامت دارند. ما تصمیم گرفتیم رژیم‌هایی که تروریست‌ها را پنهان کرده و از آنها حمایت می‌کنند، بازخواست کنیم. و این امر را تبدیل به قطعنامه کردیم ... افغانستان یک دولت تروریست بود. آن جایی برای آموزش القاعده بود. به دلیل اقدام ما افغانستان یک دموکراسی در حال ظهور است؛ افغانستان یک متحد در جنگ علیه ترور است و بسیاری از دختران جوان برای نخستین بار است که به مدرسه می‌روند ... من به سازمان ملل رفتم و گفتم، برای سال‌ها، شما قطعنامه صادر کردید و برای سال‌ها دیکتاتور عراق آنها را نادیده گرفت ... بنابراین من یک انتخاب برای انجام دادن داشتیم: نادیده گرفتن درس‌های یازده سپتامبر و امید برای بهتر شدن ... و یا دفاع از آمریکا ... من از کشورم در هر زمان دفاع خواهم کرد ... آمریکا به خاطر کاری که ما انجام دادیم امروز امن‌تر است. ما یک دشمن

آشکار آمریکا را که توانایی تولید سلاح‌های کشتار جمعی را داشت از میان برداشتیم ... وظیفه ضروری و فوری ما در سرتاسر جهان و در عراق و افغانستان این است که تروریست‌ها را محاکمه کنیم. شما نمی‌توانید با تروریست‌ها مذاکره کنید ... نمی‌توانید آرام بنشینید و بگویید آنها روش خود را تغییر خواهند داد. ما می‌دانیم که تروریست‌ها مجدداً برای ما خطر ایجاد خواهند کرد؛ زیرا آنها می‌خواهند روش زندگی ما را از بین ببرند و ترس را اشاعه دهند ... در نتیجه ما هر آنچه که بتوانیم برای حفاظت از کشورمان انجام خواهیم داد ... ما باید برای تغییر شرایطی که سبب بروز ترور در خاورمیانه شده است کار کنیم: فقر و ناامیدی و خشم می‌تواند تروریست‌ها را ایجاد کند. شما می‌بینید که از طریق کاربست آرمان آزادی، ما امید را برای سایرین آورده‌ایم و این آمریکا را امن‌تر کرده است ... جهان به خاطر رهبری آمریکا بهتر شده است. سه سال پیش افغانستان مرکز اصلی القاعده بود. اما در حال حاضر پناهگاه ترور بسته شده است، دموکراسی در حال ظهور است، و مردم آمریکا امن‌تر هستند ... پاکستان در مناطق دوردست در حال پیدا کردن قاتلان است و آمریکا امن‌تر است ... عربستان سعودی در حال دنبال کردن رهبران القاعده است و آمریکا امن‌تر است. سه سال پیش لیبی میلیون‌ها دلار صرف به‌دست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی کرد. در حال حاضر لیبی روند تجهیز هسته‌ای را رها کرده است و آمریکا امن‌تر است ... بهترین کار برای تشکر از مردان و زنانی که یونیفرم ما را پوشیده‌اند این است که ما مأموریتمان را کامل کنیم و این اطمینان را ایجاد نماییم که آمریکا امن‌تر است و جهان آزادتر است...» (Bush, 2004b).

جدول ۳. سخنرانی بوش در مبارزه انتخاباتی (۱۴ ژوئیه ۲۰۰۴)

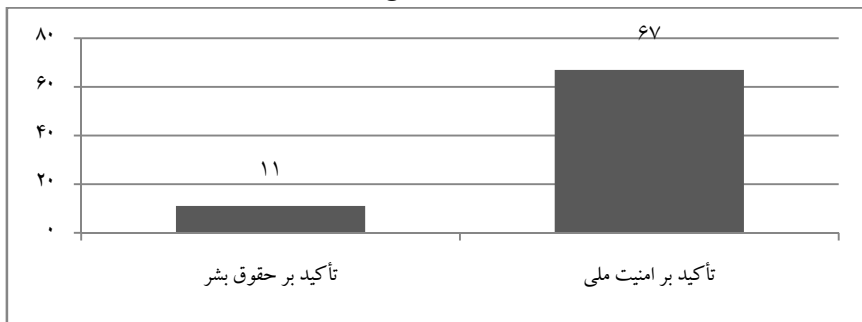
تأکید بر حقوق بشر		تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا	
۲	حقوق بشر	۸	رهبری
۶	آزادی	۱۳	تهدید
۲	دموکراسی	۱۹	تروریست
۱	صلح	۱۷	امنیت
۱۱	جمع شاخص‌ها	۱۰	جنگ
		۶۷	جمع شاخص‌ها

نمودار ۵. سخنرانی بوش در مبارزات انتخاباتی (۱۴ ژوئیه ۲۰۰۴)



نمودار ۶. سخنرانی بوش در مبارزات انتخاباتی (۱۴ ژوئیه ۲۰۰۴)

مقایسه شاخص‌ها



۲-۴. سخنرانی بوش در مبارزات انتخاباتی در نیویورک (۹ ژوئیه ۲۰۰۴)

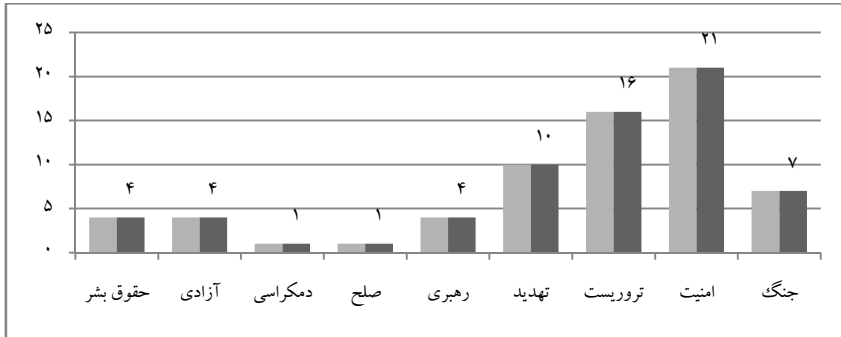
«... ما شاهد آن بودیم که چگونه جنگ و حزن در یک صبح آرام سپتامبر حادث شد. ما اقدام کردیم. من رهبری نمودم. ما تروریست‌ها را در سرتاسر جهان تعقیب کردیم. ما بسیاری از رهبران کلیدی القاعده را دستگیر و به قتل رساندیم. ما به جست‌وجوی خود تا مادامی که عدالت برقرار شود ادامه خواهیم داد و این گونه آمریکا ایمن است ... در این انتخابات اتفاقات بزرگی رخ خواهد داد. فردی که بر کرسی دفتر ریاست جمهوری تکیه می‌زند روند جنگ علیه ترور و رهبری دشمنان را عهده‌دار خواهد شد. من برای پیروز شدن در جنگ علیه ترور و گسترش صلح و آزادی در سرتاسر جهان یک دیدگاه روشن دارم ... اگر آمریکا من را برای چهار سال دیگر انتخاب کند، آمریکا امن‌تر، قوی‌تر و بهتر خواهد شد ... آینده آمریکا به خواسته‌های ما برای هدایت جهان بستگی دارد. میزان تحرک آزادی در زمان ما بیشتر شده

است اما ما همچنان با خطرات جدی مواجه هستیم. اگرچه القاعده آسیب دیده است اما از بین نرفته است. تروریست‌ها به حملاتشان در افغانستان و عراق ادامه می‌دهند... اگر آمریکا در این دهه از خود ضعف و تردید نشان دهد، جهان دستخوش مصیبت خواهد شد. این تحت مراقبت من اتفاق نخواهد افتاد. بسیاری از آمریکایی‌ها در حال خدمت کردن و قربانی شدن برای امنیت این کشور و ارمغان آوردن آزادی برای دیگران هستند و ما از فداکاری آنها تشکر می‌کنیم... آنها از این رو انجام وظیفه می‌کنند که بعد از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، کشور ما تصمیم گرفت که با تروریست در هر کجا که هستند مبارزه کند. ما تصمیم گرفتیم رژیم‌هایی را که به تروریست‌ها پناه داده و از آنها حمایت می‌کنند را بگیریم. افغانستان یک دولت ترور بود که برای القاعده یک مکان امنی را فراهم آورده بود. تروریست‌ها در آنجا آموزش می‌دیدند توطئه می‌کردند و اجرا می‌نمودند. به خاطر اقدام ما، امنیت آمریکا بیشتر است،... افغانستان یک دمکراسی در حال ظهور است. دختران جوان برای نخستین بار در طول زندگیشان به مدرسه می‌روند... افغانستان یک متحد در جنگ علیه ترور است. من یک گزینه برای انتخاب دارم یکی از آنها دیوانگی و دیگری دفاع از آمریکاست. بر این اساس من از آمریکا در هر زمان دفاع خواهم کرد... مأموریت جدی من امنیت خانواده‌های آمریکایی است. این وظیفه اساسی من است. هیچ چیز همانند امنیت کامل نیست. تهدیدات به کشور ما جدی هستند. ما می‌دانیم که تروریست‌ها می‌خواهند مجدداً برای ما خطر ایجاد کنند به خاطر اینکه ترس را گسترش دهند و روش زندگی ما را منقطع کنند... ما در حال دفاع از کشورمان هستیم و تروریست‌ها را شکست خواهیم داد. لذا در بلندمدت، امنیت ما و امنیت فرزندان و نوه‌های ما به چیزهای بیشتری نیازمند است. ما باید برای تغییر شرایطی که سبب بروز ترور در خاورمیانه شده است کار کنیم. فقر، ناامیدی سبب بروز تروریست‌ها می‌گردد... از طریق به عمل آوردن آرمان آزادی، ما امید را برای سایرین به ارمغان آوردیم و این گونه آمریکا امن‌تر است... مردان و زنان ما در ارتش در حال امن‌تر نگهداشتن آمریکا هستند... آمریکا جهان را بااطمینان و نظم اخلاقی در حال رهبری است... من هرگز در محاکمه دشمنان کوتاهی نخواهم کرد و از امنیت آمریکا به هر صورت که باشد دفاع خواهم کرد... ما آمریکا را امن‌تر قوی‌تر، و بهتر خواهیم ساخت...» (Bush, 2004c).

جدول ۴. سخنرانی بوش در مبارزات انتخاباتی در نیویورک (۹ ژوئیه ۲۰۰۴)

تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۴	رهبری	۴	حقوق بشر
۱۰	تهدید	۴	آزادی
۱۶	تروریست	۱	دمکراسی
۲۱	امنیت	۱	صلح
۷	جنگ	۱۰	جمع شاخص‌ها
۵۸	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۷. سخنرانی بوش در مبارزات انتخاباتی در نیویورک (۹ ژوئیه ۲۰۰۴)



نمودار ۸. سخنرانی بوش در مبارزات انتخاباتی در نیویورک (۹ ژوئیه ۲۰۰۴)

مقایسه شاخص‌ها



۲-۵. سخنرانی بوش در خصوص تلاش برای دمکراسی در عراق در سال ۲۰۰۵ «... جنگ در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ زمانی که کشور ما با یک حمله ناگهانی برخاست آغاز گردید. همانند دوره‌های پیش، ما مسئولیت‌های جدیدی را برای مقابله با خطرات با راه‌حل‌های

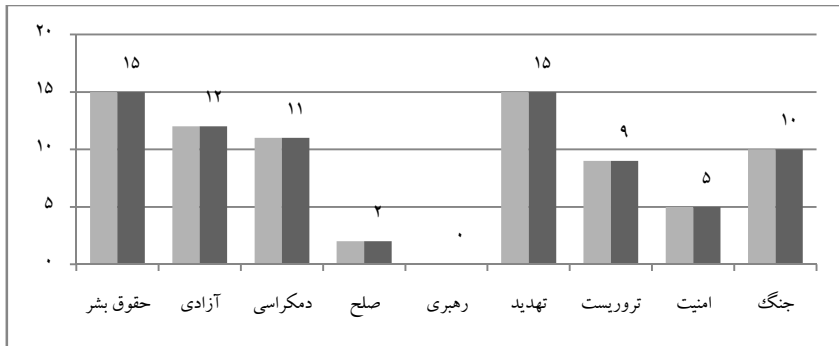
جدید پذیرفته‌ایم. ما با کسانی که در پی حمله به ما و کسانی که دیدگاه مرگ آور را برای حملات آینده به ما دارند، می‌جنگیم. ما در این جنگ بدون هیچ تزلزلی خواهیم جنگید و ما پیروز خواهیم شد... این مهم است که در خصوص پیشرفت آزادی و دموکراسی در عراق این را در ذهن داشته باشیم که هیچ ملتی در تاریخ بدون مواجه با چالش‌ها به جامعه‌ای آزاد تبدیل نشده است... همان‌گونه که مردمان عراق برای ساختن دموکراسی خود تلاش می‌کنند، مخالفان به جنگ علیه عراق آزاد ادامه می‌دهند. دشمن در عراق ترکیبی از مخالفان و صدام‌گراها و تروریست‌ها هستند... تروریست‌های وابسته به القاعده اگرچه کم هستند اما گروه بسیار مرگباری هستند. بسیاری از خارجی‌ها برای جنگیدن با روند آزادی در عراق آمده‌اند. آنها توسط یک تروریست بی‌رحم به نام زرقاوی هدایت می‌شوند. هدف اعلامی تروریست‌ها بیرون راندن ایالات متحده و نیروهای ائتلافی از عراق و به دست گرفتن کنترل کل کشور است و سپس استفاده از عراق به عنوان محلی برای حملات آینده به آمریکا و سقوط دولت‌های مدرن در خاورمیانه و ایجاد یک امپراتوری اسلامی دیکتاتورمآبانه که از اسپانیا تا اندونزی را دربرمی‌گیرد... با از بین بردن و جنگیدن تروریست‌ها در عراق، ما در حال مقابله با تهدید جدی به مردم آمریکا هستیم و ما هیچ چیزی را به غیر از پیروزی کامل نمی‌پذیریم... هدف ما پیروزی است و پیروزی زمانی به دست می‌آید که تروریست‌ها و صدام‌گراها نتوانند دموکراسی عراق را تهدید کنند... دموکراسی در فرهنگ‌های مختلف، اشکال مختلف به خود می‌گیرد، با این حال در همه فرهنگ‌ها، موفقیت جوامع آزاد وابسته به شرایط خاصی است... حکومت قانون، آزادی بیان، آزادی اجتماع، یک اقتصاد آزاد، و آزادی عبادت. احترام به عقاید دیگران تنها راه ایجاد یک جامعه‌ای است که در آن تسامح وجود دارد. جوامعی که در آن این اصول وجود نداشته باشد، ریسک بازگشت به حکومت استبدادی در آنها وجود دارد... مردم عراق حرکتی را به سوی آزادی و دموکراسی آغاز نموده‌اند... آنها در حال شکست دادن یک دشمن بی‌رحم و دفع یک ایدئولوژی مرگ‌بار و انتخاب آزادی برای غلبه بر ترور هستند... نخستین چالش کلیدی امنیت است. تا زمانی که دموکراسی در عراق برقرار گردد، تروریست‌ها و صدام‌گراها به خشونت خود ادامه خواهند داد. آنها تلاش می‌کنند که اراده ما را شکست دهند و مردم عراق و رهبران‌شان را بترسانند... آنها می‌دانند اگر دموکراسی در این کشور ریشه بدواند، ایدئولوژی منفور آنها آسیب خواهد دید و خاورمیانه یک مدل از آزادی و کامیابی و

امید خواهد داشت. بنابراین ائتلاف ما به جست‌وجو تروریست‌ها و صدام‌گراها ادامه خواهد داد ... تروریست‌ها می‌دانند که دموکراسی دشمن آنهاست بنابراین به جنگ با آن ادامه خواهند داد ... اگر حکومت عراق جدید سال آینده بر روی کار آید، عراقی‌ها تنها کشور دارای دموکراسی مطابق قانون اساسی در جهان عرب خواهند بود و آمریکاییان یک شریک برای صلح و اعتدال در خاورمیانه خواهند داشت ... ارتقای آزادی در خاورمیانه نیازمند آزادی در عراق است. از طریق کمک به عراقی‌ها برای ایجاد یک دموکراسی پایا، ما امید به آزادی در سرتاسر منطقه را گسترش خواهیم داد و ما هم‌پیمانان جدیدی در گسترش آزادی به دست خواهیم آورد. از طریق کمک به ایجاد یک دموکراسی پا برجا در عراق، ما امنیت خود را افزایش می‌دهیم ... داشتن یک متحد که حقوق بشر را درک کند بسیار خوب است و شرایط حقوق بشر برای این جهان و صلح جهانی ضروری است...» (Bush, 2005b).

جدول ۵. سخنرانی بوش در خصوص تلاش برای دموکراسی در عراق (۲۰۰۵)

تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۰	رهبری	۱۵	حقوق بشر
۱۵	تهدید	۱۲	آزادی
۹	تروریست	۱۱	دموکراسی
۵	امنیت	۲	صلح
۱۰	جنگ	۴۰	جمع شاخص‌ها
۳۹	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۹. سخنرانی بوش در خصوص تلاش برای دموکراسی در عراق (۲۰۰۵)



نمودار ۱۰. سخنرانی بوش در خصوص تلاش برای دموکراسی در عراق (۲۰۰۵)

مقایسه شاخص‌ها



۶-۲. سخنرانی بوش در خصوص آزادی در جهان (۲۴ ژوئیه ۲۰۰۸)

«... ما در اعلامیه جرج واشنگتن این باور را دیدیم که دلیل آزادی، هدف انسان است ... در سال‌های گذشته، رؤسای جمهور مختلف از دوره‌های متفاوت و حزب‌های گوناگون سیاسی، برای دفاع و ارتقای آزادی فعالیت کرده‌اند. به دلیل اینکه ما در دفاع از آزادی ثابت قدم بوده‌ایم، آزادی غالب شده است. با آغاز قرن جدید، باور جهانی آزادی یک بار دیگر در حال به چالش کشیده شدن است. ما این چالش را در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ شاهد بوده‌ایم. در آن روز، تروریست‌هایی که از سوی رژیم‌هایی در هزاران مایل دورتر از آمریکا پناه داده شده بودند مرگ و خرابی را برای ترساندن ما به همراه آوردند ما درس‌های مهمی گرفتیم. برای حفاظت از آمریکا ما باید دشمن را در خارج از مرزها شکست دهیم تا با آن در سرزمینمان مواجه نشویم. و برای حراست از آمریکا ما باید ایدئولوژی منفور آنها را با گسترش امید به آزادی شکست دهیم ... از یازده سپتامبر، ما آموختیم که ما در جنگ قرار داریم و باید جلو حملات جدید را قبل از وقوع آن بگیریم. بنابراین ما در حال دادن ادواتی به نیروهای اطلاعاتی و امنیتی سرزمینمان هستیم تا بتوانند جلو تروریست‌ها را بگیرند. ما در حال آموزش ارتش خود برای مواجهه با تهدیدهای قرن جدید هستیم. ما در حال وارد کردن فشار به دشمن هستیم ما هزاران نفر از تروریست‌ها را دستگیر یا به قتل رسانده‌ایم از جمله بسیاری از کسانی که در حملات یازده سپتامبر مسئول بودند. ما رژیم‌های افغانستان و

عراق را که شهروندان ما را و صلح جهانی را تهدید می کردند برداشته ایم ... در بلندمدت، بهترین روش برای شکست تروریست‌ها ارائه یک ایدئولوژی امیدبخش به جای ایدئولوژی مرگ‌بار آنهاست ... پیگیری ارتقای آزادی جزئی از منافع امنیتی ماست زیرا براساس دلایل تاریخی ما می‌دانیم که ارتقای آزادی برای امنیت ما و صلح جهانی ضروری است. فقط کافی است که به جنگ جهانی دوم نگاهی بیندازیم ... در طول جنگ سرد، ملل اروپا مرکزی و شرقی بخشی از پیمان ورشو بودند که بسیاری از آنها امروزه از اعضای ناتو هستند که از آزادی خود برای کمک به ظهور دموکراسی‌های جوان استفاده می‌کنند. در این موارد، ما شاهد قدرت دگرگون‌کننده آزادی بوده‌ایم. ما شاهد آن بودیم که جوامع آزاد به تروریست‌ها پناه نمی‌دهند و به همسایگان خود بی‌جهت حمله نمی‌کنند. جوامع آزاد جوامع صلح‌آمیزی هستند و به این دلیل است که آمریکا هدایت آزادی را دنبال می‌کند. در طول هفت سال گذشته، ما آموخته‌ایم که هدایت آزادی نیازمند مقابله با ناامیدی در کشورهای در حال منازعه است. مقابله با ناامیدی جزو منافع امنیتی آمریکا محسوب می‌گردد زیرا تنها راهی که دشمنان می‌توانند از آن به نفع ایدئولوژی تاریک خود استفاده کنند یأس و ناامیدی است ... در سال‌های پیش‌رو آمریکا باید به بهره‌گیری از کمک‌های خارجی برای تقویت دموکراسی و حکومت‌مداری خوب ادامه دهد ... در سال‌های پیش‌رو آمریکا باید هدایت جریان حقوق بشر را ادامه دهد ...» (Bush, 2008).

جدول ۶. سخنرانی بوش در خصوص آزادی در جهان (۲۴ ژوئیه ۲۰۰۸)

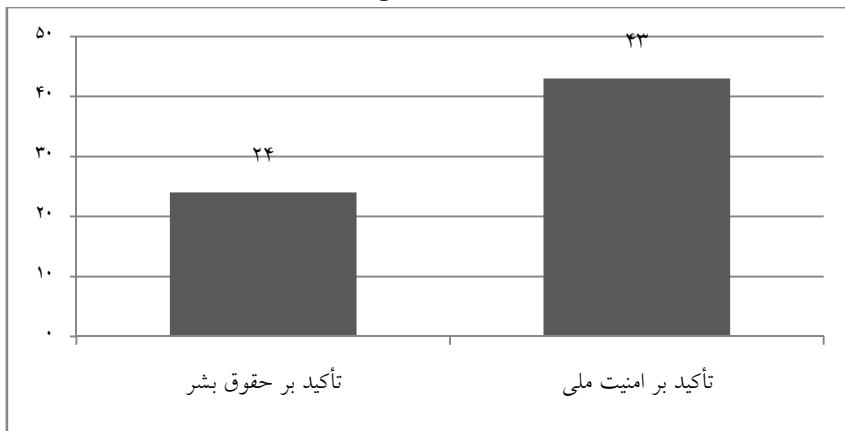
تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۴	رهبری	۵	حقوق بشر
۱۴	تهدید	۱۴	آزادی
۵	تروریست	۲	دموکراسی
۱۲	امنیت	۳	صلح
۸	جنگ	۲۴	جمع شاخص‌ها
۴۳	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۱۱. سخنرانی بوش در خصوص آزادی (۲۴ ژوئیه ۲۰۰۸)



نمودار ۱۲. سخنرانی بوش در خصوص آزادی (۲۴ ژوئیه ۲۰۰۸)

مقایسه شاخص‌ها



۳. الگوی سخنرانی وزرای خارجه کالین پاول و کاندولیزا رایس

۳-۱. مصاحبه کالین پاول (۱۳۸۲/۱/۲۵)

«... ما درک می‌کنیم که سازمان ملل باید مشارکت داشته باشد و اجرای عملی آن را بررسی خواهیم کرد. سازمان ملل خود از طریق دبیرکل کوفی عنان تصریح کرده است که میل ندارد بر عراق حکومت کند در این زمینه هیچ رقابتی وجود ندارد. باید تعیین کرد که چه نقشی

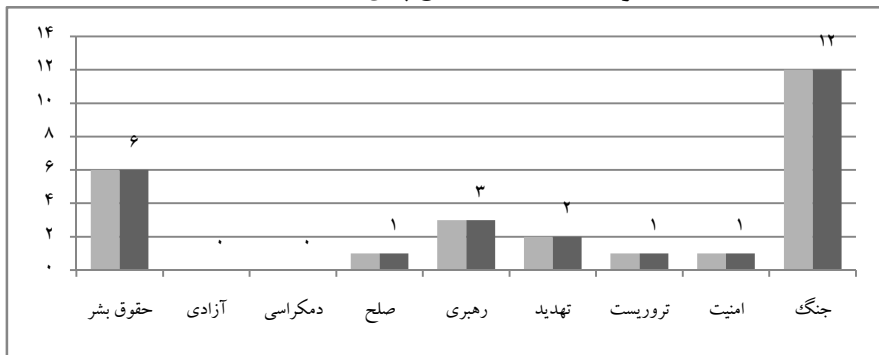
می‌توان برای سازمان ملل در نظر گرفت. این سازمان باید کمک نوع‌دوستانه را اداره کند و حکومت موقت تعیین شده را مستقر سازد. این امر طبق قطعنامه‌های سازمان ملل انجام خواهد شد. ما در زمینه شیوه ایجاد این حکومت موقت کار می‌کنیم؛ این حکومت شامل عراقی‌های مخالف در خارج و همچنین معارضان داخلی خواهد بود تا آنکه عراق تنها به وسیله شخصیت‌های خارجی اداره نشود. سازمان ملل مسلماً نقشی در مورد کمک نوع‌دوستانه و بازسازی و همچنین تشکیل حکومت غیرنظامی ایفا خواهد کرد. هنوز جزئیات آن مشخص نشده است. آیا باید کنفرانس بین‌المللی مانند افغانستان تشکیل داد؟ در این باره بحث خواهیم کرد. دبیرکل سازمان ملل امروز در بحث‌های ما حضور نداشت. این بحث‌ها در شورای امنیت ادامه خواهد داشت. به نظر ما، وقت آشتی کردن فرارسیده است. باید به بازسازی عراق پرداخت نه تنها به دلیل این حمله نظامی بلکه به دلیل دو دهه (حاکمیت) رژیم صدام حسین. ما عراق را تخریب نمی‌کنیم، بلکه آن را آزاد می‌سازیم. ... جنگ هنوز به پایان نرسیده است. طبیعی است که فرماندهان نظامی مسئولیت تأمین امنیت مردم را در سرتاسر عراق برعهده بگیرند. این مسئولیتی نیست که بتوانیم به دیگری واگذار کنیم. ما میل داریم هرچه سریع‌تر دارو و غذا به مردم تحویل دهیم. سپس ما می‌خواهیم مسئولیت کشور را از فرماندهی نظامی به یک دستگاه غیرنظامی منتقل سازیم تا به وزارتخانه‌های عراقی امکان از سرگیری فعالیت‌هایشان را، بدون مسئولان بعثی و رژیم صدام، بدهیم. انتقال به مقام‌های غیرنظامی باید مطابق قطعنامه‌های مناسب شورای امنیت انجام شود ... ناتو می‌تواند به‌طور مؤثر در حفظ صلح و همچنین جست‌وجوی سلاح‌های کشتار جمعی مشارکت داشته باشد هیچ‌یک از مخاطبان اتحادیه آتلانتیک با چنین احتمالی مخالفت نکرده است چنین اراده‌ای هم برای عراق و هم برای افغانستان وجود دارد. ... به نظر می‌رسد که دونالد رامسفلد بخواهد همه چیز را کنترل کند و حتی قراردادهای بازسازی را خودش تقسیم کند. تأمین مالی اولیه باید از سوی آمریکا باشد. به‌عنوان مثال باید بندر ام‌القصر را راه‌اندازی کرد سپس، اتحادیه اروپا می‌تواند در بازسازی مشارکت کند و تصمیم بگیرد که کمک‌های خود را چگونه توزیع کند. عراق کشور ثروتمندی است. درآمدهای آن از محل نفت تأمین خواهد شد و دولت جدید عراق باید نحوه استفاده از درآمد نفت را تعیین کند. برخی تأکید کرده‌اند که فهرستی سیاه از شرکت‌هایی وجود دارد که باید از قراردادهای بازسازی محروم شوند. چنین چیزی وجود ندارد. می‌خواهیم

که تخصیص قراردادهای بسیار شفاف باشد، از جمله در چارچوب برنامه سازمان ملل برای توسعه ... فکر می‌کنم که به موازات ادامه جنگ شاهد بروز حمایت بیشتری خواهیم بود. در نجف ما دیدیم که چگونه مردم از ورود نیروهای مان استقبال کردند. در جنوب پس از شکسته شدن قدرت بعث مردم شروع به همکاری با نیروهای اتحاد خواهند کرد. آنها نگران بودند و وقایع سال ۱۹۹۱ را به یاد می‌آوردند (زمانی که ایالات متحده حاضر نشد از قیام شیعیان حمایت کند) پس از به وجود آمدن اعتماد، شما شاهد حمایت بیشتری خواهید بود. ... این جنگ علیه رژیم است که تاکنون ۱۷ قطعنامه سازمان ملل را رد کرده است. رژیم که شورای امنیت به اتفاق در نوامبر گذشته آن را به اطاعت فراخوانده بود. این رژیم سپس جامعه بین‌المللی را به بازی گرفت. در برخی کشورهای اروپایی این‌طور تصور می‌شود که ما در جست‌وجوی محل دیگری برای ادامه جنگ هستیم. تاریخ را بنگرید. ما از کشورهای نیستیم که خواهان ادامه جنگ به هر قیمتی باشند. در اروپاست که باید نمونه‌های جنگ پیشگیرانه را جست‌وجو کرد. این بدان معنا نیست که ما به رژیم‌هایی که از فعالیت تروریستی حمایت می‌کنند توجه نخواهیم کرد ... اما به این معنا نیست که جنگی علیه این کشورها به راه خواهیم انداخت. اما در مورد کره شمالی من از جمله کسانی هستم که طرفدار راه‌حلی چندجانبه می‌باشم» (<http://www.asnoor.ir/Public/Interviews/ViewInterviews.aspx?Code=100171>).

جدول ۷. مصاحبه کالین پاول (۱۳۸۲/۱/۲۵)

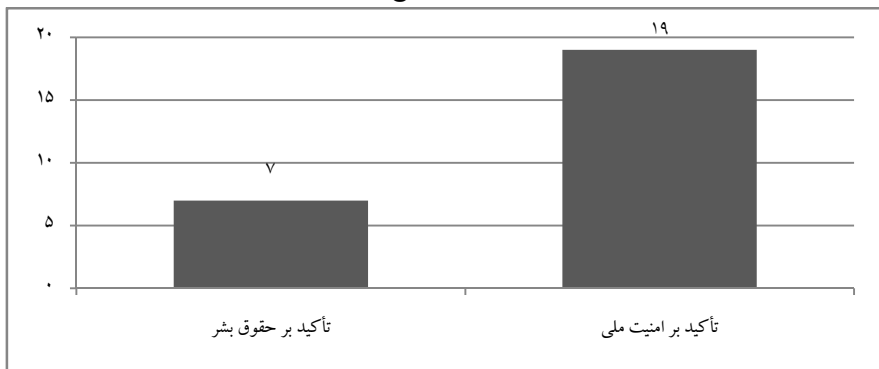
تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۳	رهبری	۶	حقوق بشر
۲	تهدید	۰	آزادی
۱	تروریست	۰	دمکراسی
۱	امنیت	۱	صلح
۱۲	جنگ	۷	جمع شاخص‌ها
۱۹	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۱۳. مصاحبه کالین پاول (۱۳۸۲/۱/۲۵)



نمودار ۱۴. مصاحبه کالین پاول (۱۳۸۲/۱/۲۵)

مقایسه شاخص‌ها



۲-۳. مصاحبه مطبوعاتی کالین پاول در واشنگتن (۱۳۸۲/۲/۲۰)

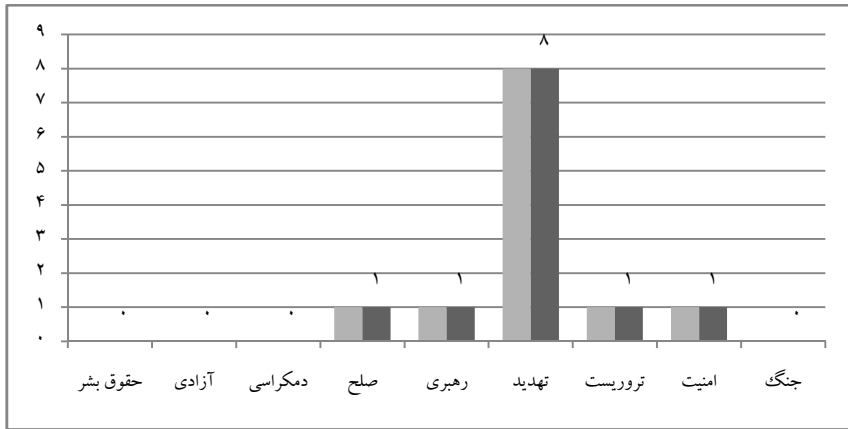
«... سازمان ملل هنوز یک سازمان مهم تلقی می‌شود. جرج بوش و دیگر رهبران هم‌پیمان از جمله ازنا و برلوسکونی، نخست‌وزیران اسپانیا و ایتالیا، همه بر این موارد اتفاق نظر دارند که سازمان ملل باید در بازسازی عراق نقش داشته باشد، اما هنگامی که مشخص شد عراق از قطعنامه ۱۴۴۱ و چندین قطعنامه دیگر تبعیت نمی‌کند و شورای امنیت نیز نمی‌تواند بر سر قطعنامه جدیدی به توافق برسد، نیروهای هم‌پیمان ناچار به تصمیم‌گیری شدند که نتایج آن هم نیازی به توضیح ندارد. بنابراین سازمان ملل نتوانسته در تمام شرایط و هنگامی که نظریات متفاوتی وجود دارد به نتیجه نهایی برسد. برای مثال می‌توان به مشکل کوزوو و بسیاری از مشکلات قبل از آن اشاره کرد اما ما امیدواریم سازمان ملل از این به بعد برای حل مشکلات

خط مشی متفاوت با گذشته اتخاذ کند و آمریکا همواره از این سازمان حمایت خواهد کرد مسائلی را که آمریکا امروزه در مورد گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در مورد سوریه و وجود سلاح‌های شیمیایی مطرح کرده است، از جمله مسائلی است که آمریکا سال‌ها به آن پرداخته و ما نگران گسترش این نوع سلاح‌ها و حمایت دمشق از سازمان‌های تروریستی هستیم و در هفته‌های اخیر نیز شاهد ارسال محموله‌هایی از مرز سوریه به عراق بوده‌ایم. ما حتی شاهد رفت و آمد اشخاصی بین این دو مرز بوده‌ایم، ورود برخی از این اشخاص به عراق می‌تواند به منظور ایجاد هسته‌های مقاومت باشد و آمریکا این نگرانی‌ها را مستقیماً به سوریه انتقال داده است. ما به دمشق اجازه نخواهیم داد بهشت یا منطقه‌ای امن برای فراریان عراقی که باید در عراق محاکمه شوند، ایجاد کند. امیدواریم سوریه بفهمد که شرایط جدیدی در منطقه ایجاد شده و باید در خط‌مشی سیاسی‌اش تجدیدنظر کند، آمریکا خواستار از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی نه تنها در سوریه، بلکه در سراسر خاورمیانه می‌باشد. ... طی هفته‌های اخیر شاهد همکاری دوستانه ترکیه از جمله ارسال مواد غذایی به عراق بوده‌ایم و ما با مقامات ترکیه در روند بازسازی عراق همکاری نزدیک خواهیم داشت، تمام کشورهای همسایه عراق فرصت دارند در این روند با آمریکا همکاری کنند و نقش فعال‌تری از خود نشان دهند. ... ما می‌خواهیم شاهد منطقه‌ای باشیم که خالی از چنین سلاح‌هایی باشد و امیدواریم بتوانیم به راه‌حل جامع و کاملی برسیم و شاهد زندگی صلح‌آمیز فلسطین و اسرائیل و سوریه و لبنان در منطقه باشیم و هنوز هم اعتقاد داریم که کل منطقه باید خالی از سلاح‌های کشتار جمعی باشد» (<http://www.asnoor.ir/Public/Interviews/ViewInterviews.aspx?Code=100144>).

جدول ۸. مصاحبه مطبوعاتی کالین پاول در واشنگتن (۱۳۸۲/۲/۲۰)

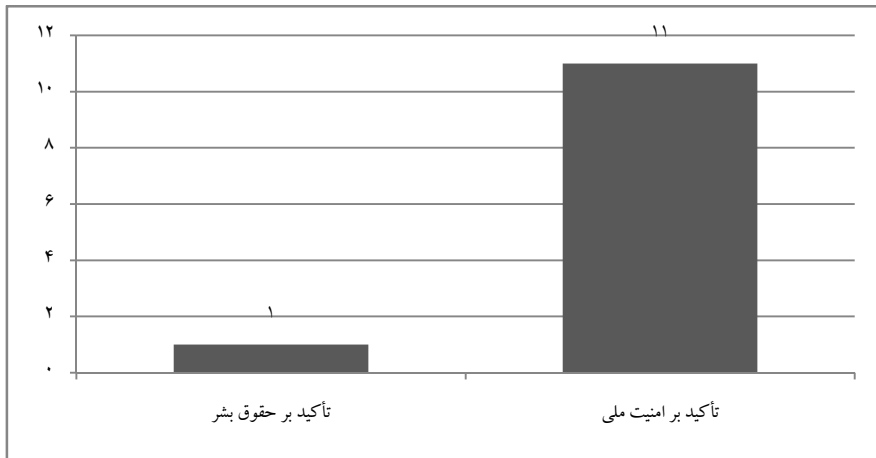
تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۱	رهبری	۰	حقوق بشر
۸	تهدید	۰	آزادی
۱	تروریست	۰	دمکراسی
۱	امنیت	۱	صلح
۰	جنگ	۱	جمع شاخص‌ها
۱۱	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۱۵. مصاحبه مطبوعاتی کالین پاول در واشنگتن (۱۳۸۲/۲/۲۰)



نمودار ۱۶. مصاحبه مطبوعاتی کالین پاول در واشنگتن (۱۳۸۲/۲/۲۰)

مقایسه شاخص‌ها



۳-۳. مصاحبه کالین پاول با شبکه تلویزیونی الجزیره (۱۳۸۱/۸/۹)

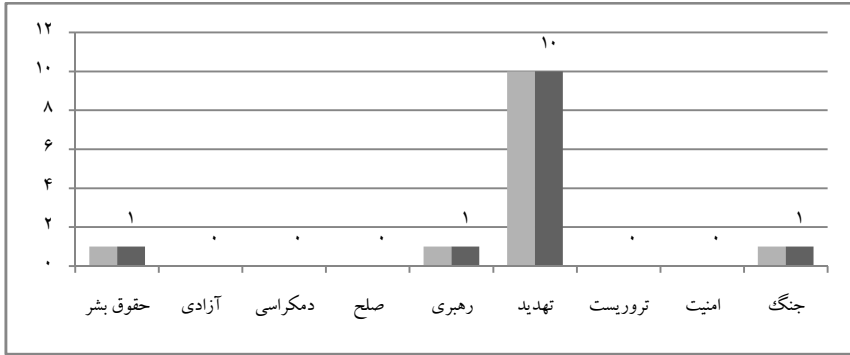
«...آمریکا حق استفاده از گزینه متوقف ساختن تولید و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی صدام حسین که آن را علیه ملت و همسایگانش به کار گرفته و همچنین پایان دادن به برنامه تسلیحاتی عراق را برای خود محفوظ می‌دارد. ... ما در عمل موفق شدیم ۱۵ عضو شورای امنیت را در قبال صدور قطعنامه در یک موضع واحد قرار دهیم و این موضع واحد بر این مسئله تأکید داشت که عراق قطعنامه‌های سابق سازمان ملل را نقض کرده است. اکنون

می‌توانیم بگوییم یک تیم بازرسی قوی داریم و تأکید می‌کنیم که بغداد باید به تمامی قطعنامه‌ها و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی پایبند باشد و اگر چنین کاری را انجام نداد شورای امنیت مسئولیت برگزاری نشست دیگری را برعهده خواهد داشت تا عواقب و اقدام مناسب را در این خصوص متذکر شود. پاول گفت: آمریکا در صورت عدم برخورد از سوی شورای امنیت، حق انتخاب را برای خود محفوظ خواهد داشت اما این موضوع نباید به معنای تصمیم به جنگ تلقی شود بلکه تصمیمی است برای خلع سلاح‌های کشتار جمعی و خطرناک عراق که آنها را بر ضد ملت خود، همسایگان و در واقع علیه ایران به کار برود و موشک‌هایی نیز به عربستان شلیک کرد. این تصمیم در واقع با هدف پایان دادن به برنامه‌های تسلیحاتی کشتار جمعی عراق اتخاذ شده تا به جهان نشان دهیم زندگی بهتری در انتظار مردم عراق است. ... رهایی عراق از سلاح‌های کشتار جمعی و همکاری آن با بازرسان خلع سلاح به معنای ایجاد تغییر آشکار در نظام است و درخواست برای تغییر رژیم عراق در واقع به دلیل عدم پایبندی آن به قطعنامه‌های بین‌المللی بوده است. ... اگر رژیم بغداد از سلاح‌های کشتار جمعی عاری شود و با بازرسان همکاری داشته باشد به این نتیجه می‌رسیم که این نظام دچار تغییر شده زیرا در واقع انگیزه دولت کنونی و سابق آمریکا از ایجاد تغییر، سرپیچی عراق از قطعنامه‌ها به ویژه قطعنامه‌های مربوط به خلع سلاح بوده است. ... اگر عراق به قطعنامه‌ها پایبند باشد و سیاست‌های جدیدی را که ناظر بر تغییر تفکرات آنان باشد در پیش گیرد، این امر را می‌توان به منزله تغییر در نظام کنونی عراق دانست ...» (<http://www.asnoor.ir/Public/Interviews/ViewInterviews.aspx?Code=100015>)

جدول ۹. مصاحبه پاول با شبکه تلویزیونی الجزایر (۱۳۸۱/۸/۹)

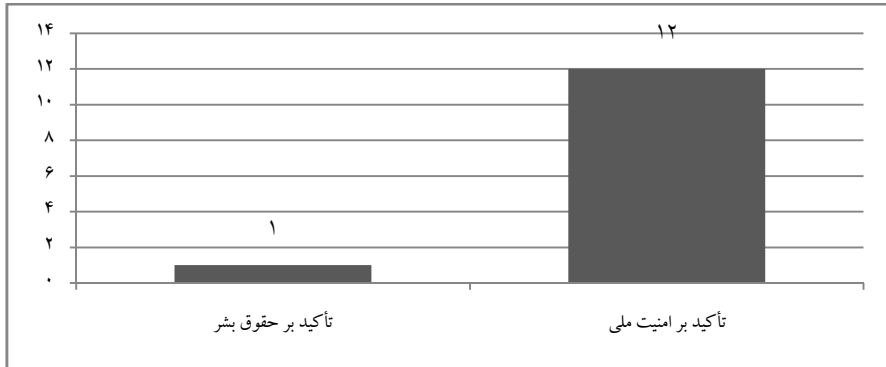
تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۱	رهبری	۱	حقوق بشر
۱۰	تهدید	۰	آزادی
۰	تروریست	۰	دمکراسی
۰	امنیت	۰	صلح
۱	جنگ	۱	جمع شاخص‌ها
۱۲	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۱۷. مصاحبه پاول با شبکه تلویزیونی الجزایر (۱۳۸۱/۸/۹)



نمودار ۱۸. مصاحبه پاول با شبکه تلویزیونی الجزایر (۱۳۸۱/۸/۹)

مقایسه شاخص‌ها



۳-۴. مصاحبه مطبوعاتی کاندولیزا رایس با مارگارت وارنر^۱ (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۲)

«... رئیس‌جمهور نگرانی در خصوص جنگ و امنیت ملی مردم آمریکا را سیاسی نخواهد کرد. رئیس‌جمهور بر این باور است که این یک زمان برای اتحاد نمایندگان مردم آمریکا و بخش اجرایی است از این روست که او تصمیم گرفته است برای تصمیم گرفتن در مورد قطعنامه‌ای در راستای حمایت از فعالیت‌های آمریکا در رابطه با تهدید صدام حسین به کنگره رفته است که شامل بندهایی از جمله امنیت کشور می‌شود ... رئیس‌جمهور از دمکرات‌ها و جمهوری خواهانی که در مورد مسائل امنیتی که مردم آمریکا با آن مواجه هستند همکاری می‌کنند، تشکر کرد ... عراق یک مشکل برای صلح و امنیت در منطقه است اما این بستگی به به کارگیری نیرو و اختیار

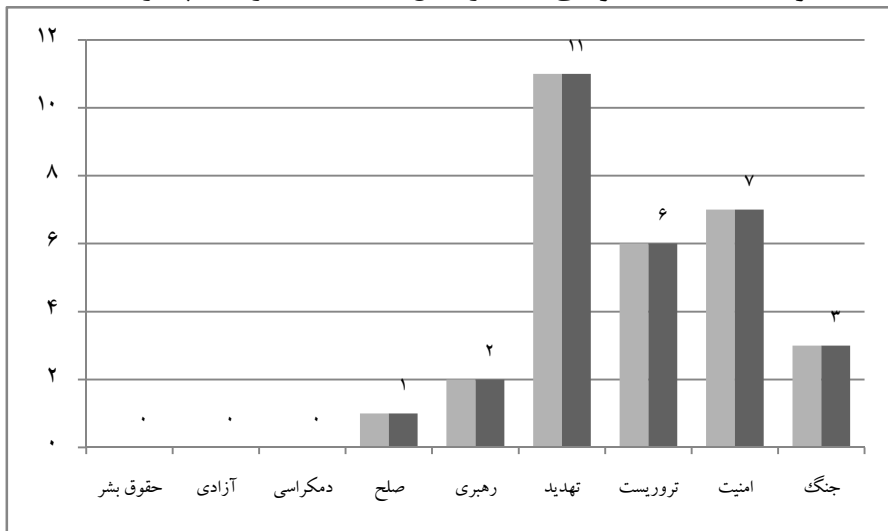
1. Margaret Warner

و حمایت آمریکاییان برای اقدام علیه عراق دارد ... نکته کلیدی در اینجا این است که ایالات متحده در حال هدایت جهان به سمت حل مشکل عراق است ... من معتقدم که مردم وظایف پیش از شورای امنیت را درک می کنند. این ناشی از شرایط زمانی است و من نمی دانم که چه زمانی یک قطعنامه در این خصوص خواهیم داشت اما ما سخت در این زمینه کار می کنیم ... ما کاملاً به این امر واقفیم که در گذشته ارتباط‌هایی بین افسران عراقی و اعضای القاعده وجود داشته است و اینکه عراق برخی از آموزش‌های القاعده در توسعه سلاح‌های شیمیایی را فراهم کرده است. بین عراق و القاعده ارتباط‌هایی وجود دارد. ما می دانیم که صدام حسین به طور کلی یک سابقه طولانی با تروریسم دارد و بسیاری از اعضای القاعده در بغداد پناه گرفته‌اند ... این یک روند خلع سلاح رژیم عراق است به دلیل اینکه خطرناک است. صدام حسین با سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی تهدیدی برای مردمان خود، همسایگان و ما خواهد بود ... ایالات متحده همواره این حق را برای خود قائل بوده است که یک تهدید را پیش از وقوع آن تقلیل داده و یا از بین ببرد. لذا این سبب می گردد که نشیند و منتظر بماند که به آن حمله شود در صورتی که می توانسته آن تهدید را از بین ببرد ... من فکر می کنم که مردم ضرورت و تهدید را درک می کنند. من فکر می کنم که ما و کابینه کلینتون اقدامات جدی و قاطعی را در رابطه با القاعده انجام داده‌ایم اما ما از یازده سپتامبر آموختیم. ما درس‌های زیادی از آن آموختیم و تغییرات سازمانی به دنبال آن صورت گرفت. به عنوان مثال یک دفتر امنیت کشوری تأسیس شد که در آن همه آسیب‌پذیری‌های ایالات متحده می تواند تحلیل گردد. چیزی که قبل از یازده سپتامبر وجود نداشت ...» (<http://www.pbs.org/newshour/bb/international/july-dec02/rice9-25.html>)

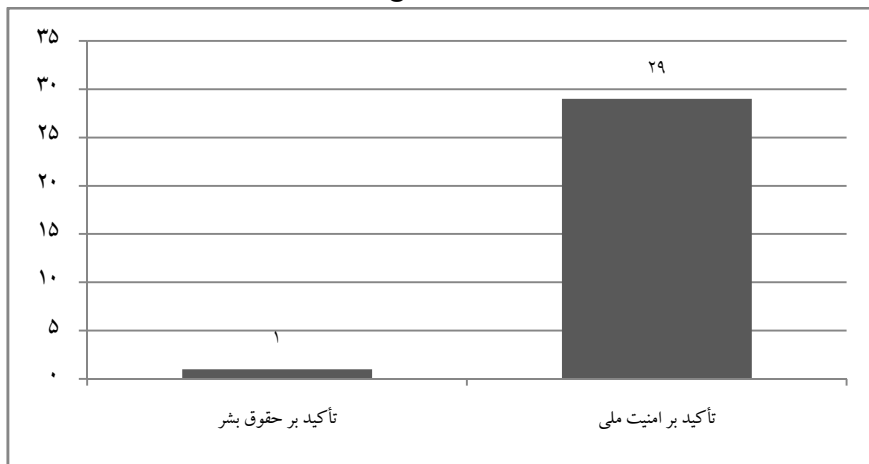
جدول ۱۰. مصاحبه مطبوعاتی کاندولیزادرایس با مارگارت وارنر (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۲)

تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۲	رهبری	۰	حقوق بشر
۱۱	تهدید	۰	آزادی
۶	تروریست	۰	دمکراسی
۷	امنیت	۱	صلح
۳	جنگ	۱	جمع شاخص‌ها
۲۹	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۱۹. مصاحبه مطبوعاتی کاندولیزا رایس با مارگارت وارنر (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۲)



نمودار ۲۰. مصاحبه مطبوعاتی کاندولیزا رایس با مارگارت وارنر (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۲)
مقایسه شاخص‌ها



۳-۵. مصاحبه با کاندولیزا رایس (۱۳۸۳/۱۱/۲۷)

«... نشست آتی در اسلوواکی، فرصت دیگری برای پوتین و بوش است تا ثابت کنند که روابط دو کشور سازنده است. ما به‌طور مشترک روی پرونده‌های امنیتی کار می‌کنیم و قرار است مانورهای نظامی مشترکی برگزار کنیم. ما نیروهای مشترکی در مبارزه با تروریسم داریم و در

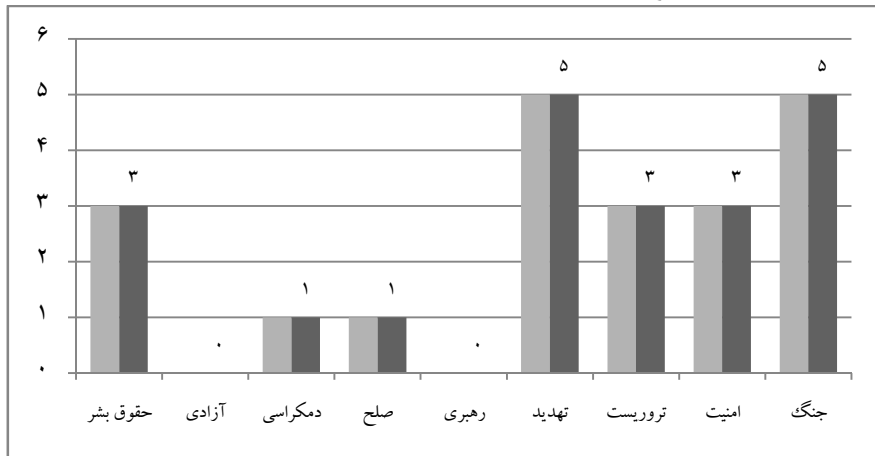
مناطق مختلفی در جهان شامل افغانستان و بالکان با همدیگر همکاری می‌کنیم. ما همچنین از درخواست روسیه برای ورود به سازمان تجارت جهانی حمایت می‌کنیم. ایالات متحده طبیعتاً نسبت به روند داخلی برخی مسائل در روسیه حساس است اما این به معنای آن نیست که دو کشور نمی‌توانند روابط سازنده‌ای داشته باشند. از موارد حساسیت ما، نقش مطبوعات، استقلال قوه قضائیه و حاکمیت قانون است. روسیه و آمریکا می‌توانند این موارد را بررسی کنند و این نگرانی‌ها چیزی نیست که آمریکا را وادار کند تا روسیه را منزوی کند. برخی بر این باور بودند که روسیه نباید به کشورهای گروه صنعتی^۱ ملحق می‌شد اما نیوستن روسیه به گروه هشت یک خطا محسوب می‌شد. روسیه هم‌اکنون در یک دوره انتقالی به سر می‌برد و گفت‌وگوها باید ادامه داشته باشد. من انتظار گفت‌وگوهای بسیار خوبی میان بوش و پوتین در براتیسلاوا دارم. قرار است در گفت‌وگوهای دو رئیس‌جمهور، مواردی مانند امنیت هسته‌ای و انرژی نیز مورد بحث قرار گیرد. ... ما همیشه سر همه چیز به توافق نمی‌رسیم. اگر در مورد همه چیز ما به توافق برسیم، جای تعجب خواهد داشت. چیزی که در این میان مهم است، اینکه اهداف ما مشترک است. در کنفرانس مطبوعاتی که داشتم، به من گفتند که ایالات متحده در اروپا بر سر چین دچار اختلافاتی هستند. اما باید بگویم که آمریکا و اروپا بر سر چین دچار اختلافات نیستند. ما نگرانی‌های مشترکی داریم از اینکه چگونه با چین که از نظر اقتصادی رشد بسیار سریعی دارد و از نظر سیاسی نیز به یک قدرت تبدیل می‌شود، رفتار کنیم. فکر می‌کنم ما خواهان آن هستیم که چین جزئی از جامعه بین‌المللی شود و به نیروی مثبت، نه منفی در سیاست جهانی تبدیل شود. ما اختلافات خودمان را خواهیم داشت اما سعی خواهیم کرد که بر آنها به گونه‌ای غلبه کنیم که به نفع منافع هر دو باشد اما نباید انتظار داشت که همیشه بر سر هر چیزی به توافق برسیم. ... ابتدا ایرانیان باید بپذیرند که نسبت به جامعه بین‌المللی در مورد عدم تولید سلاح‌های اتمی زیر پوشش نیروگاه‌های اتمی صلح‌آمیز تعهداتی دارند. ایالات متحده، اولین کشوری بود که چند سال پیش نسبت به این موضوع هشدار داد. ایرانی‌ها باید چنین کاری انجام دهند. چیزی که ما نباید اجازه دهیم، این است که ایرانی‌ها شرایط جدیدی را تعیین کنند. بنابراین ابتدا باید ببینیم که آیا ایرانی‌ها واقعاً می‌توانند جامعه بین‌المللی را نسبت به این موضوع قانع کنند یا خیر. ... پیش از همه، ایالات متحده ساختار جنگ سرد خود را در

اروپا تغییر می دهد. به همین منظور، ما نه تنها با اعضای ناتو، بلکه با دولت روسیه در مورد تغییر جایگاه نیروهایمان گفت و گو کرده ایم. ما روابط خوبی با کشورهای شرق ناتو داریم. ما با آنها در عملیات مبارزه با تروریسم همکاری کرده ایم. این عملیات هم برای ما، هم برای کشورهای اروپایی و هم روسیه خوب بوده است. در مورد ناتو و تغییر ساختار آن، این پیمان هم اکنون به سمت نیروهای واکنش سریع و تجهیزات سبک است و دیگر مانند قبل (دوران جنگ سرد) و نیروها و تجهیزات سنگین آن زمان نیست. در مورد اوکراین و گرجستان ما خواهان آن هستیم که این دو کشور و سایر کشورها جزئی از روند اروپایی باشند و درهای ناتو روی کشورهایی باز است که دارای دموکراسی باشند» (خبرگزاری اینترفاکس، ۱۳۸۳/۱۱/۲۷).

جدول ۱۱. مصاحبه با کاندولیزا رایس (۱۳۸۳/۱۱/۲۷)

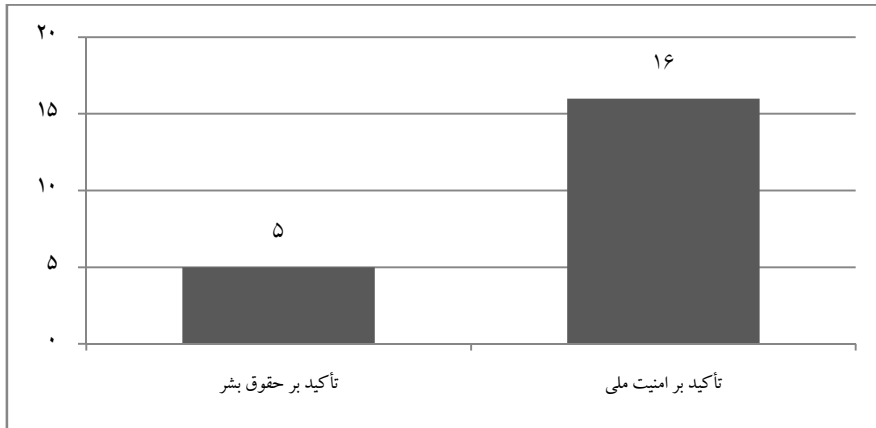
تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۰	رهبری	۳	حقوق بشر
۵	تهدید	۰	آزادی
۳	تروریست	۱	دموکراسی
۳	امنیت	۱	صلح
۵	جنگ	۵	جمع شاخص‌ها
۱۶	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۲۱. مصاحبه با کاندولیزا رایس (۱۳۸۳/۱۱/۲۷)



نمودار ۲۲. مصاحبه با کاندولیزا رایس (۱۳۸۳/۱۱/۲۷)

مقایسه شاخص‌ها



۳-۶. سخنرانی کاندولیزا رایس در مؤسسه صلح ایالات متحده (USIP) (۱۹ اوت ۲۰۰۴)

«... از آغاز جنگ علیه تروریسم، رئیس‌جمهور بر این عقیده بود که جنگ علیه تروریسم به همان اندازه که جنگ با سلاح است نبردی است میان افکار و دیدگاه‌ها. یک تروریست این مطلب را در یک جمله خلاصه کرده است. او گفته: «شما زندگی را دوست دارید، ما عاشق مرگ هستیم». پیروزی واقعی زمانی به دست می‌آید که نه تنها تروریست‌ها با قدرت منکوب و مهار شده‌اند، بلکه ایدئولوژی مرگ و نفرت منکوب‌جاذبه زیستن و امید شده، و زمانی که حقیقت جایگزین دروغ گردیده است. این همان پیام روشن و عملکرد مستمر او بوده است. در اولین سخنرانی سالانه وضعیت ایالات متحده رئیس‌جمهور اظهار داشت: «آمریکا طرف مردان و زنان شجاعی را خواهد گرفت که از ارزش‌های والا در سراسر جهان، از جمله دنیای اسلام، دفاع می‌کنند، زیرا هدف ما والاتر از حذف تهدیدها و مهار دشمنی‌هاست. ما در پایان جنگ با تروریسم به دنبال دستیابی به جهانی عادلانه و صلح‌آمیز هستیم». رئیس‌جمهور این کلمات را به عمل درآورد. تحت رهبری او آمریکا استراتژی روشن و پیشرو برای آزادی خاورمیانه را انتخاب کرده، استراتژی که دارای عناصر متعددی است. ما از مردم افغانستان و عراق در نبردشان علیه تروریست‌ها و افراتیون و تلاششان برای ساختن حکومتی دمکراتیک حمایت می‌کنیم. ما همراه با سایر اعضای پیمان ناتو و هم‌پیمانان خود در گروه هشت به یاری مردم خاورمیانه بزرگ و شمال آفریقا برخاسته‌ایم تا ایجاد شغل کنیم، دسترسی به سرمایه را تسهیل

کنیم و افزایش دهیم، به سوادآموزی و آموزش و پرورش بهبود بخشیم، از حقوق بشر دفاع کنیم، و پیشرفت به سوی دموکراسی را ممکن کنیم. پرزیدنت بوش طرح مشارکت خاورمیانه را عملی ساخته که آمریکا را از طریق پروژه‌های ملموس و واقعی با اصلاح‌طلبان خاورمیانه پیوند می‌زند. او تلاش می‌کند یک حوزه تجارت آزاد آمریکا - خاورمیانه را ایجاد کند و ظرف ده سال مردمان منطقه را وارد بازار پروتوق، در حال گسترش، و پر از فرصت‌های جدید کند. در همین هفته اقدام به امضای جدیدترین توافق‌نامه تجارت آزاد در منطقه را با مراکش نمود. آخرین بودجه دولت برای «موقوفه ملی برای دموکراسی» به خاطر کار جدیدش در تأمین انتخابات آزاد، بازارهای آزاد، مطبوعات آزاد، آزادی بیان و اتحادیه‌های آزاد کارگری در خاورمیانه به دو برابر افزایش یافته است. ضمناً ما مشغول افزایش تلاش‌مان در حمایت از نشر خبر و ایجاد بنگاه‌های خبری در خاورمیانه هستیم، و حجم آن را تا یک سوم از - ۳۰ میلیون دلار به ۴۰ میلیون دلار - افزایش داده‌ایم. در همان آغاز تشکیل این دولت ما با موفقیت سرویس عرب‌زبان *رادیوساوا* و فارسی‌زبان *رادیوفرده* را راه‌اندازی کردیم. در سال جاری شبکه تلویزیونی جدیدی در خاورمیانه راه‌اندازی کردیم به نام *الحرية* که به عربی به معنی «شخص آزاد» است. این شبکه به پخش اخبار، فیلم سینمایی، ورزش، برنامه‌های سرگرم‌کننده و برنامه‌های آموزشی برای میلیون‌ها نفر در منطقه می‌پردازد، و به این وسیله در جهت دسترسی به هدف حقیقت‌جویی گام برمی‌دارد. البته ما می‌توانیم و می‌باید تلاش بیشتر کنیم. تلاش آتی ما باید روی دو موضوع متمرکز شود: اول، ما باید سعی کنیم اسطوره‌های دروغ و مخرب راجع به جامعه آمریکا و سیاست آمریکا را خنثی کرده از میان برداریم. دوم، ما باید تلاشمان برای حمایت و تشویق نیروهای میانه‌رو، مدارا و تحمل، و تکرخواهی در جهان اسلام را مضاعف کنیم و شدیداً گسترش دهیم. بلافاصله پس از رویداد یازدهم سپتامبر بسیاری از آمریکاییان از خود می‌پرسیدند: «آنها چرا از ما متنفرند؟» همین سؤال از قضا عنوان مقاله معروفی شد در روی جلد مجله *نیوزویک* به قلم دوست خوبم نفرید ذکرها. حالا هم مثل همان زمان پاسخ به سؤال بستگی دارد به اینکه منظور از «آنها» کیست. در جهان اسلام یک اقلیت کوچک از افراط‌گرایان هستند که به راستی از آمریکا متنفرند، و همیشه هم متنفر خواهند بود. آنها از سیاست‌های ما متنفرند، از ارزش‌های ما، آزادی‌های ما، و از نحوه زندگی ما نفرت دارند. زمانی که این نفرت را از طریق خشونت تروریستی به نمایش می‌گذارند تنها یک راه

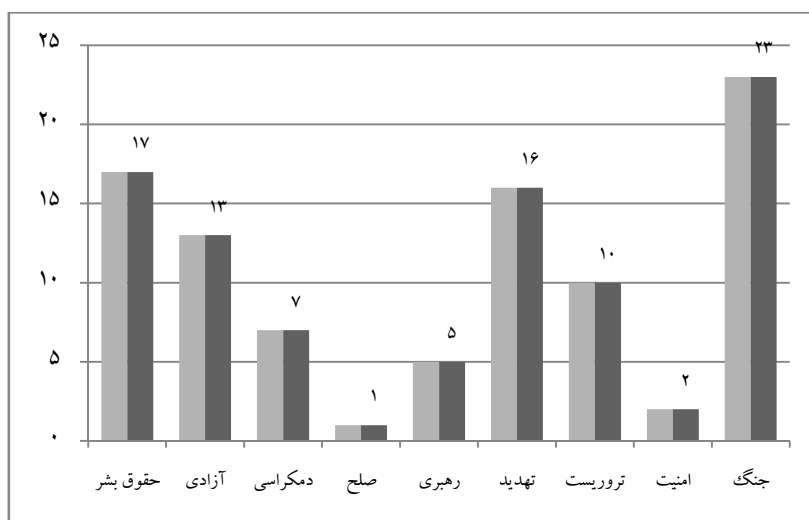
برای نشان دادن عکس العمل برای ما باقی می ماند؛ باید آنها را بیاییم و سرکوب کنیم؛ کسانی را سرکوب کنیم که سعی دارند مردم ما را بکشند و به کشور ما آسیب برسانند. مع ذلک بیش از یک میلیارد نفر در دنیا هستند که مؤمن به دین اسلام اند و دلیلی در دست نیست که نشان دهد با ایالات متحده دشمن اند. بسیاری از مسلمانان هر ساله در جست و جوی زندگی بهتر به این کشور می آیند، و مطالعات آماری نشان می دهد تعداد بسیار زیادتری نیز چنانچه می توانستند مایل به این کار بودند. لکن آمارهای دیگری هم هستند که نشان می دهند اکثریت چشمگیری از مسلمانان از قدرت آمریکا در هراسند یا نسبت به اهداف و مقاصد آمریکایی ها تردید دارند و اطمینان ندارند، و یا نسبت به ارزش های آمریکاییان سوء تفاهم دارند. برای نمونه بسیاری در جهان اسلام بدترین شکل فرهنگ مردمی و متعارف آمریکا را می بینند و تصور می کنند دموکراسی مدل آمریکایی - یا هر دموکراسی از این نوع - به ناچار به ولنگاری و فساد اخلاقی منتهی می شود. برخی دیگر باورشان این است که دموکراسی ذاتاً با ایمان دشمن است و نابودکننده سنت های قابل احترام. و تعداد بیشتری هنوز در معرض بمباران مستمر نظریات توطئه گرانه و تبلیغات نفرت برانگیز هر روزه ای هستند که سیاست های آمریکا را به شکل کاریکاتور و مسخره ای تحریف می کند. ... حقیقت این است که سیاست ما بر آزادی اصرار دارد. رئیس جمهور معتقد است مردم فلسطین نه تنها مستحق داشتن دولتی از خود هستند، بلکه این دولت باید عادل و دموکراتیک باشد و در خدمت منافع و آرمان های برحق ملت فلسطین نیز باشد. ... ماجرای روابط اخیر آمریکا با جهان اسلام در عین حال حدیثی است از کمک، و شاید بتوان گفت حتی امداد رسانی و نجات. آمریکا - و سربازان آمریکایی - از جان خود مایه گذاشتند تا در سومالی برای مردم غذا تأمین کنند. از پایان جنگ سرد تا به امروز، آمریکا پنج بار به جنگ رفته، و چند نفر در جهان اسلام می دانند که هر بار برای کمک به مسلمانان بوده؟ آمریکاییان در کویت، بوسنی، کوزوو، افغانستان و در عراق جنگیده اند. بدون استثنا اینها همه جنگ های آزادی بخش و به خاطر آزادی بوده است. افغانستان از ظلم و سرکوب و حشیانه طالبان رهایی یافته و در حال ساخت یک دموکراسی است که نقش اصلی و مرکزی اسلام در زندگی مردم افغان را به رسمیت می شناسد. و این نقش مرکزی را با دموکراسی کاملاً همساز و هماهنگ می بیند. عراق نیز از وحشت و اختناق صدام حسین رها شده است. مردم عراق آزادند هر گونه که مایلند و هر که را مایلند پرستش کنند؛ درهای معابد و پرستشگاه های ادیان مختلف

به روی همه باز است، و زوار برای اولین بار در عرض ده‌ها سال از همه نقاط کشور و خارج از عراق بدون ترس و نگرانی راهی بقاع متبرکه خود می‌شوند... اما به هر حال دموکراسی و آزادی باید محصول خانگی باشد. امروزه کمک و حمایت از خارج برای افراط‌گرایان امری عادی شده است، درحالی‌که میانه‌روها اغلب دچار کمبود امکانات و همبستگی اندک هستند. این وضع باید تغییر کند، و این ما هستیم که باید به تغییر آن کمک کنیم...» (۱۹ اوت ۲۰۰۴). (<http://www.asnoor.ir/files/lectureattachments/1383/8/10069,1383/7/22>)

جدول ۱۲. سخنرانی کاندولیزا رایس در مؤسسه صلح ایالات متحده USIP (۱۹ اوت ۲۰۰۴)

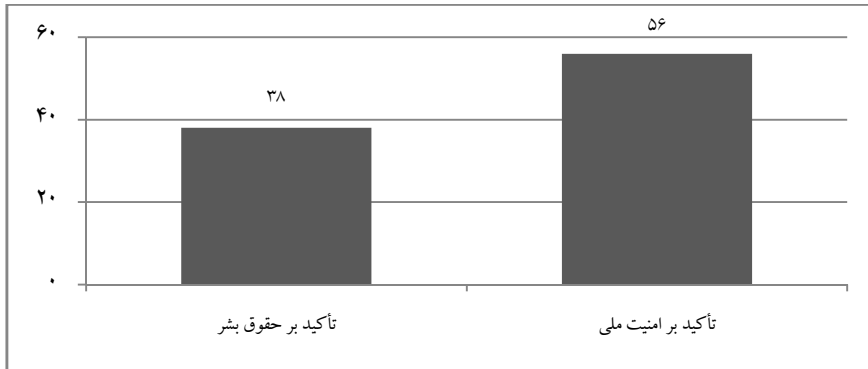
تأکید بر امنیت ایالات متحده آمریکا		تأکید بر حقوق بشر	
۵	رهبری	۱۷	حقوق بشر
۱۶	تهدید	۱۳	آزادی
۱۰	تروریست	۷	دموکراسی
۲	امنیت	۱	صلح
۲۳	جنگ	۳۸	جمع شاخص‌ها
۵۶	جمع شاخص‌ها		

نمودار ۲۳. سخنرانی کاندولیزا رایس در مؤسسه صلح ایالات متحده USIP (۱۹ اوت ۲۰۰۴)



نمودار ۲۴. سخنرانی کاندولیزا رایس در مؤسسه صلح ایالات متحده (۱۹ اوت ۲۰۰۴)

مقایسه شاخص‌ها



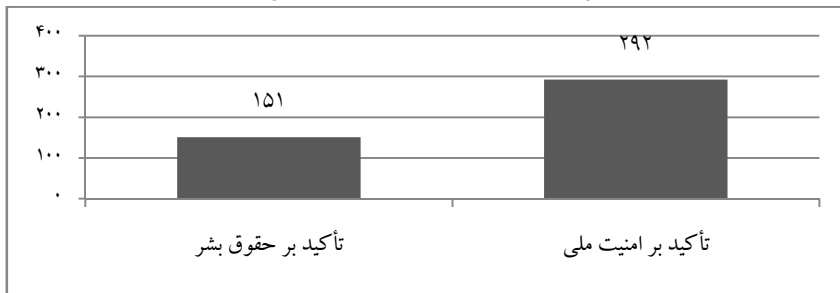
۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جهان امروز، تأمین صلح و امنیت رابطه مستقیمی با مسئله حقوق بشر و توسعه پایدار دارد. در گذشته تأمین امنیت در توانایی دفاع در مقابل تجاوز خارجی و استقرار نظم داخلی بود اما اکنون امنیت در صورتی برقرار می‌شود که حقوق بشر، رفاه عمومی و حفظ محیط زیست و در واقع توسعه پایدار تحقق یابد. همچنین ابعاد وسیع قواعد بین‌المللی حقوق بشر و رشد نهادهای بین‌المللی مجری حقوق بشر موجب بین‌المللی شدن روزافزون مفاهیم حقوق بشری شده است و از آنجا که حقوق بشر قابلیت تفسیر موسعی دارد بالطبع حوزه‌های مختلفی را پوشش می‌دهد و اصل حاکمیت مستقل دولت‌ها و ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورها را تحت‌الشعاع قرار داده است و مفاهیم حقوق بشری در تمامی گفتمان‌های سیاسی و حقوقی دولت‌ها مطرح می‌شود. ظرفیت‌های مثبت و منفی بسیاری در مفهوم حقوق بشر برای کشورهای مختلف وجود دارد. در روند فزاینده جهانی شدن، توسعه ارتباطات و رسانه‌ها، مفاهیم حقوق بشری از یک سو تأثیر مستقیمی می‌تواند بر امنیت ملی کشورها و انسجام داخلی آنها به ویژه کشورهای در حال توسعه داشته باشد و از سوی دیگر احترام و تلاش برای ارتقای آن در سطح ملی و جهانی موجب اعتبار و کسب وجهه و پرستیژ برای دولت‌ها و جوامع انسانی می‌شود. از آنجا که سیاست خارجی از جمله مواضع حقوق بشری، منعکس‌کننده هدف‌ها و طرز تفکر ملی است لذا سیستم فکری و هویت تاریخی یک نظام سیاسی در تعیین سیاست خارجی و دیپلماسی حقوق بشری آن کشور تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. شایان ذکر است که

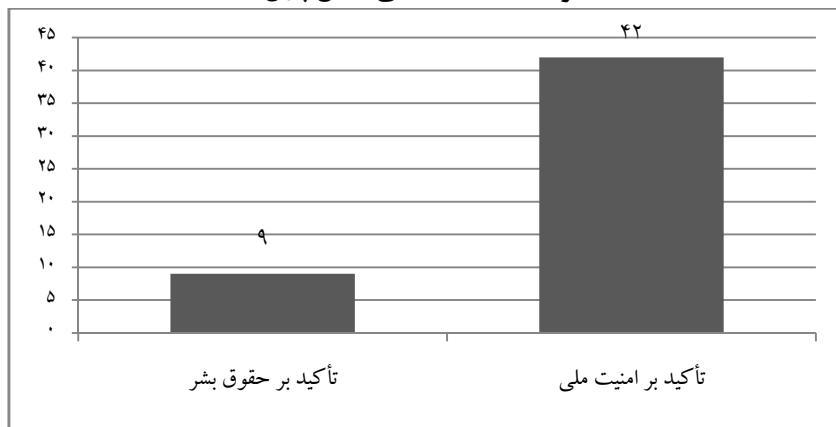
واقعه یازده سپتامبر، حقوق بشر، امنیت و واکنش نهادها و گروه‌های مختلف در پی این رویداد مهم تاریخی، به شکل وسیعی از سوی حقوق‌دانان، نظریه‌پردازان سیاسی و فلاسفه طی چند سال اخیر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است، اما آنچه که به‌نحو قابل توجهی نبود آن به چشم می‌خورد بررسی عملیاتی این موارد است. به‌عبارت‌دیگر کمتر پژوهشی است که به بررسی عملیاتی شاخص‌های تأثیرگذاری این واقعه پرداخته باشد. از این‌رو در این نوشتار تلاش شد به‌عنوان گامی هرچند کوچک، زمینه برای بررسی عملیاتی تأثیر واقعه یازده سپتامبر بر حوزه حقوق بشر و امنیت فراهم شود. براساس بررسی و تحلیل محتوای تصادفی صورت گرفته در سخنرانی‌ها و مقالات رئیس‌جمهور و وزرای خارجه ایالات متحده آمریکا در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ جرج بوش در مجموع ۱۵۱ بار بر مفاهیم حقوق بشری و ۲۹۲ بار بر مفاهیم امنیت‌محور اشاره داشته است. همچنین کالین پاول ۹ مرتبه بر مضامین حقوق بشری و ۴۲ مرتبه بر مضامین امنیتی تأکید کرده است و کاندولیزا رایس نیز در مجموع ۴۴ بار بر مفاهیم حقوق بشری و ۱۰۱ بار بر مفاهیم امنیتی اصرار ورزیده است. از این‌رو به‌شکلی بسیار واضح روشن می‌شود که در فاصله زمانی تحت بررسی، مفاهیم امنیتی از سوی دست‌اندرکاران سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بیشتر به‌کار گرفته شده است و به تبع آن امنیت در اولویت‌های دستور کار سیاست خارجی قرار گرفته است تا جایی که حقوق بشر و مفاهیم در این خصوص را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. به‌گونه‌ای ۶۶ درصد از سخنان بوش و ۸۲ درصد از سخنان پاول و ۸۴ درصد از سخنان رایس را مباحث امنیتی و ۳۴ درصد از سخنان بوش و ۱۸ درصد از سخنان پاول و ۱۶ درصد از سخنان رایس را مباحث حقوق بشری به‌خود اختصاص داده است. نمودارها و تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که بوش، پاول و رایس از نظر خطوط فکری در یک راستا قرار دارند و آمارها همپوشانی دیدگاه‌ها و ایده‌های آنان را به‌خوبی نشان می‌دهد. از این‌روست که با بررسی‌ها و تحلیل محتواهای صورت گرفته در این قسمت، صدق فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد آمریکایی‌ها نسبت به کارویژه‌های نرم‌افزارگرایی و ارتباط منطقی آن با ملاحظات سخت‌افزاری اعتقادی خاص پیدا کرده‌اند. اما به آن معنا نیست که تقید به ملاحظات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری همپای هم پیش می‌روند. سیاست آمریکا بعد از یازده سپتامبر چهره سخت‌افزاری است و ادبیات آن امنیت‌محور است و بین‌الملل‌گرایی آمریکا متناسب با شاخص سخت‌افزاری که

قدرت نظامی آمریکا در صحنه تصمیم‌سازی خارجی ایفا می‌کند، نسبت به گذشته تفاوت فاحش دارد. بنابراین سیاست خارجی آمریکا بعد از یازده سپتامبر در چارچوب پیشبرد دمکراسی و حقوق بشر در مقابله با تروریسم بوده و بر منابع قدرت نرم، استوار است. به‌عنوان مثال پیشبرد اصلاحات در خاورمیانه که پاول در اوج بحران عراق در مورد آن اظهار داشت و بیان داشت که آمریکا نسبت به جایگاه حقوق زنان و نظام آموزشی در خاورمیانه معترض است اصولاً این نظام‌های آموزشی تروریسم‌پرور هستند و خواهان بازبینی در اوضاع فرهنگی و آموزشی منطقه می‌شود. در این خصوص آمریکا پس از یازده سپتامبر در چارچوب منابع قدرت نرم خواهان دمکراتیزه شدن خاورمیانه برای مبارزه با تروریسم است. در واقع حوادث یازده سپتامبر زمینه معنایی لازم را برای تغییر در ادبیات سیاست خارجی آمریکا پدید آورد.

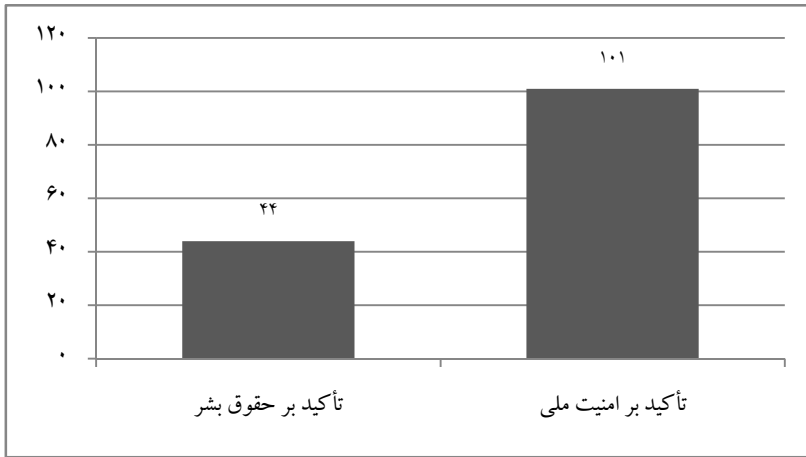
نمودار ۲۵. سخنان کلی جرج واکر بوش



نمودار ۲۶. سخنان کلی کالین پاول



نمودار ۲۷. سخنان کلی کاندولیزا رایس



نمودار ۲۸. بررسی مقایسه‌ای دیدگاه کارگزاران آمریکایی



منابع و مأخذ

۱. آسابرگر، آرتور (۱۳۸۳). *روش‌های تحلیل رسانه‌ها*، ترجمه پرویز اجلالی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲. باردن، لورنس (۱۳۷۵). *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی‌دوزی سرخابی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. بوزان، باری، الی ویور و پاپ دووید (۱۳۸۶). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات پژوهشکده راهبردی.
۴. خبرگزاری اینترنت‌فاکس (۱۳۸۳/۱۱/۲۷)، ترجمه آرمن نرسیسیان، <http://www.asnoor.ir/Files/InterviewAttachments/1383/11/27/101952-1.mh>
۵. راجردی، ویمر و جوزف آر دومینیک (۱۳۸۴). *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران، سروش و مرکز تحقیقات مطالعاتی و سنجش برنامه‌ای.
۶. سمتی، هادی و حمید رهنورد (۱۳۸۸). «امنیتی شدن ایران و استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، ش ۲.
۷. گونتر، بری (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق رسانه‌ای*، ترجمه مینو نیکو، تهران، اداره کل پژوهش‌های سیما.
8. Baehr, Peter R. and Monique Castermans-Holleman (2004). *The Role of Human Rights in Foreign Policy*, New York, Palgrave.
9. Bush, George W. (2005). State of the Union Address, Washington, D.C., <http://www.presidentialhetoric.com/speeches/02.02.05.html>
10. _____ (2004a). Address to the United Nations, New York, September 21, <http://www.presidentialrhretoric.com/speeches/09.21.04./html>
11. _____ (2004b). Speeches from the 2004 Presidential Campaign, American Values, Waukesha, WI, http://www.presidentialrhretoric.com/speeches/ bush_july14.html
12. _____ (2004c). Speeches from the 2004 Presidential Campaign, York, PA, http://www.presidentialhetoric.com/speeches/bush_july9.html.
13. _____ (2005b). The Struggle for Democracy in Iraq: Speech to the World Affairs council of Philadelphia, Philadelphia, Pennsylv Vania <http://www.presidentialhetoric.com /speeches/ 12.12.05.html>.
14. _____ (2008). Remarks on Freedom Around the World, Whashington, D.C, July 24, 2008. <http://www.presidentialhetoric.com/speeches/07.24.8.html>
15. _____ (2002). "Remarks by the president at 2002 Graduation Exercise of the Unite States Military Academy, West Point, New York, "available at: <http://www.whitehouse.gov/news/release/2002/06/20020601-3.html>.
16. Cohen, Jean L. (2008). "Rethinking Human Rights, Democracy, and Sovereignty in the Age of Globalization", *Political Theory*, Vol. 36, No. 4
17. Hancock, Jan (2010). "Woodrow Wilson Revisited: Human Rights Discourse in Foreign Policy of the George W. Bush Administration", *European Journal of International Relations*, 16(1).
18. _____ (2007). *Human Rights and US Foreign Policy*, London and New York, Routledge.
19. Lebovic, James H. and Erik Voeten (2009). "The Cost of Shame: International

- Organizations and Foreign Aid in the Punishing of Human rights Violators", *Journal of Peace Research*, Vol. 46, No. 1.
20. McMahon, Robert (2002). "Human Rights Reporting and U.S. Foreign Policy", at: <http://www.cfr.org/human-rights/human-rights-reporting-us-foreign-policy/p1893>.
21. "The National Security of the United states of America", Available at <http://www.whitehouse.gov/nsc/nss.html>.
22. Hook, Steveu W. and James M. Scott (edited) (2012). *U.S. Foreign Policy Today: American Renewal?*, Washington, D.C., CQ Press.
23. William, C. and J. R. Walldrof (2010). "Argument, Institutional Process, And human Rights Sanctions in Democratic Foreign Policy", *European Journal of International Relations*, 16(4).
24. <http://www.asnoor.ir/Public/Interviews/ViewInterviews.aspx?Code=100171>
25. <http://www.asnoor.ir/Public/Interviews/ViewInterviews.aspx?Code=100144>
26. <http://www.asnoor.ir/Public/Interviews/ViewInterviews.aspx?Code=100015>
27. <http://www.pbs.org/newshour/bb/international/july-dec02/rice9-25.html>
28. <http://www.asnoor.ir/Files/LectureAttachments/1383/08/10069-1.mht>
29. Robinson, Mary (2001). United Nations High Commissioner for Human Rights, Press Briefing, See also Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, "A Human Rights Perspective on the Post-September 11 International Situation" October 11, 2001. In June 2002, High Commissioner Robinson Explained that the Description was Appropriate Because "the September 11 Attacks were Mainly Aimed at Civilians. They were Ruthlessly Planned and their Execution Timed to Achieve the Greatest loss of Life. Their Scale and Systematic Nature Qualify them as Crimes Against Humanity within Existing International Jurisprudence". See Fifth Commonwealth Lecture, "Human Rights in the Shadow of 11 September", London: Commonwealth Institute, June 6, 2002.